

قرنی که گذشت و قرنی که در پیش است

وقم بیرحمانه این مردمان پرداختند. قدرتهای امپریالیست جهان برای مقابله با جنبش کارگری و بحرانهای عمیق نظام سرمایه داری، عریان ترین، خشن ترین و وحشیانه ترین دیکتاتوری های فاشیستی و نازیستی را در این قرن ایجاد کردند و سگهای زنجیری فاشیست خود را به جان کارگران انداختند. آنها برای حفظ منافع غارت گرانه خود در کشورهای وابسته و تحت سلطه صدها کودتای نظامی راسازمان دادند و رژیمهای سرکوبگر و خون آشامی را به مردمان این کشورها تحمیل نمودند. امپریالیست ها با چپاول و غارت ثروت این کشورها و حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان، آنها را به فقر و عقب ماندگی سوق دادند. جنایات نظام سرمایه داری در این قرن نظیر ندارند. اما اگر قرن بیستم با این فجایع عظیم سرمایه داری، جنگ، کشتار، جنایت، استثمار، ستمگری، میلیتاریسم، سرکوب کارگران، فقر، بیکاری، گرسنگی میلیونها انسان در کشورهای عقب مانده مشخص میشود، وجوه متمایز کننده دیگری نیز در این قرن وجود داشت. قرن بیستم، دوران اعتلا پر دامنه جنبش طبقه کارگر در سراسر جهان، دوران انقلابات کارگری برای سرنگونی نظام سرمایه داری و ایجاد دنیائی نوین و انسانی، تھی از ستم، استثمار، فقر، جنگ و نابرابری بود. طبقه کارگر در این قرن عظیم ترین نبردهای طبقاتی را برای سرنگونی سرمایه داری و ایجاد سوسیالیسم سازمان داد. طبقه کارگر توانست در برخی از کشورها قدرت را به دست بگیرد. بر تارک انقلابات اجتماعی قرن بیستم، انقلابات سوسیالیستی شوروی قرار داشت که الهام بخش جنبشهای عظیم کارگری بود. هر چند که این انقلابات از پای در آمدند و نتوانستند اهداف خود را عملی سازند، اما تأثیرات بسیار شگرفی بر جهان معاصر بر جای گذاشتند. زیر فشار این انقلابات و جنبش طبقه کارگر در سراسر جهان، بورژوازی جهانی ناگزیر به عقب نشینی در برخی زمینه ها شد و دست کم در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری مجبور شد پاره ای از مطالبات سیاسی، اجتماعی و رفاهی طبقه کارگر و توده مردم را که در چارچوب نظام سرمایه داری تحقق آنها ممکن است، بپذیرد.

قرن بیستم همچنین شاهد جنبشهای عظیم زنان برای به کرسی نشاندن برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان با مردان بود. این جنبش زنان که از حمایت و پشتیبانی قاطع جنبش کارگری برخوردار بود، بورژوازی را لااقل در کشورهای پیشرفته تر سرمایه داری مجبور ساخت که رسماً "برابری حقوق زن و مرد را بپذیرد". هر چند که هنوز تا به رسمیت شناخته شدن این

برابری حقوق در سراسر جهان و تا تبدیل شدن آن به یک برابری راستین راهی دراز در پیش است، اما به رسمیت شناخته شدن همین حق در تعدادی از کشورهای جهان دست آورد بزرگی برای زنان در این قرن بود.

قرن بیستم، قرن بیداری ملت‌های تحت ستم و در بند و مبارزه آنها برای رهایی از یوغ ستم ملی و امپریالیستی بود. در این قرن برغم تمام وحشی گری ها و سرکوب های قدرتهای استثمارگر و امپریالیست، مردم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از طریق جنبش ها و انقلابات رهایی بخش ملی، نظام مستعمراتی را در سراسر جهان درهم کوبیدند و به استقلال سیاسی دست یافتند. بنابراین برغم اینکه نظام سرمایه داری هنوز پا برجا مانده است، دست آوردهای بشریت در این قرن نیز کم نبوده است. معجزه دقیقاً "به این علت که نظام سرمایه داری با تمام تضادهای، ستمگری ها و مصائب اش همچنان باقی است، قرن بیستم و یکم و رویدادهای اجتماعی و سیاسی آن نیز از همین تضاد ها سرمنشأ خواهند گرفت. امروزه در حالی که رشد غول آسای نیروهای مولده و پیشرفتهای عظیم علمی - تکنولوژیک در کشور های پیشرفته سرمایه داری، تولید ثروت را به چنان ابعادی رسانده که تمام اعضای جامعه می توانند در رفاه و خوشبختی زندگی کنند و استعدادهای خود را همه جانبه تکامل بخشند، مناسبات سرمایه داری موجود، اکثریت بسیار عظیم جامعه یعنی کارگران را محکوم به استثمار و وحشیانه و زندگی مشقت بار نموده است. پیشرفت های علمی و تکنیکی، و رشد بارآوری کار به جای این که در خدمت رفاه جامعه باشد، به ابزاری در دست سرمایه داران برای تشدید استثمار کارگران و بیکاری میلیون ها انسان انجامیده است. در حالی که انبوه ثروت های جامعه در دست گروهی معدود از سرمایه داران انگل متمرکز شده است، اکثریت عظیم جامعه با دستمزدی که حداقل معیشت آنها را تامین می کند، زندگی خود را می گذرانند. تضاد فقر و ثروت ابعادی وحشتناک بخود گرفته است. این تضادها نمی توانند مدتی طولانی دوام آورند. مبارزه طبقه کارگر برای برانداختن استثمار و بی عدالتی های جامعه موجود تشدید خواهد شد، و این بار نبردهای طبقاتی در ابعادی سهم گین تر از قرن بیستم رخ خواهد داد.

قدرتهای امپریالیست جهان با غارت و چپاول و استثمار و وحشیانه ملل کوچک و ضعیف، میلیونها انسان را در بخش عظیمی از جهان در فقر و بدبختی هولناکی قرار داده اند. جهان به کشور های فقیر و غنی، بدهکار و بستانکار، با اصطلاح شمال و جنوب تقسیم شده است. این تضاد هر روز ابعاد وسیع تری به خود می گیرد و مبارزه کارگران و زحمتکشان این کشورها را برای بر انداختن نظم موجود شدت خواهد بخشید. قدرتهای امپریالیست جهان، امروز نیز همانند اوائل قرن بیستم برای تقسیم مجدد جهان و قبضه بازارهای وسیع تر برای خود تلاش می کنند. قدرت های امپریالیست درگیر تضادها و رقابت های شدیدی هستند. انحصارات فراملیتی



تظاهرات زحمتکشان چهار دانگه اسلام شهر

اهالی زحمتکش چهار دانگه که تحت فشار دستگاههای دولتی از جمله شهرداری های مناطق ۱۸ و ۱۹ قرار دارند و از هرگونه امکانات اولیه زیستی و رفاهی، محروم اند، امروز دوشنبه دست به تظاهرات زدند. مداخله نیروهای سرکوب بر خشم مردم افزود. مردم خشمگین مراکز و ادارات دولتی را مورد حمله قرار دادند و جاده ساوه به اسلام شهر را به مدت چهار ساعت مسدود نمودند. رژیم با گسیل نیروهای امدادی نیز نتوانست مردم را آرام کند. چند تن از مقامات دولتی در اجتماع آنها حضور یافتند و قول دادند که هرچه سریعتر به خواسته های آنها رسیدگی شود. از تعداد کسانی که دستگیر شده اند اطلاعی در دست نیست.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم زحمتکش چهار دانگه را محکوم می کند و از مطالبات رفاهی آنها حمایت می کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۸/۱۰/۱۲

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

که بهر حال به قدرت سیاسی و نظامی یکی از قدرتهای امپریالیست متکی هستند، برای شکست رقبای خود و تسخیر بازارهای جدید با حادث ترین تضادها روبرو هستند. این تضادهای قدرتهای امپریالیست و انحصارات جهانی که پیوسته تشدید میشوند، همچنان جهان را با خطر جنگ های ویرانگر روبرو ساخته اند. راهی برای حل مجموعه این تضادها در چارچوب سرمایه داری وجود ندارد. حل این تضادها و بحران های مداومی که نظام سرمایه داری با آنها روبروست با سرنگونی این نظام میسر است. تنها سوسیالیسم به عنوان بدیل سرمایه داری میتواند بشریت را از شر مصائب نظام سرمایه داری و تضادهای آن نجات دهد. تردی نیست که قرن بیستم و یکم با نبردهای طبقاتی عظیم تری برای سرنگونی نظام سرمایه داری و بنیای جامعه ای از انسانهای آزاد و برابر همراه خواهد بود. تنها سوسیالیسم میتواند بن بست را که نظام سرمایه داری در برابر بشریت قرار داده است درهم بشکند. مبارزه برای سوسیالیسم ادامه خواهد یافت.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



چرا نباید در انتخابات شرکت کرد؟

کارگران و زحمتکشان! زنان ستمدیده! روشنفکران انقلابی! جوانان مبارز!

جاریان رژیم ارتجاعی اسلامی تبلیغات وسیعی را حول انتخابات فرمایشی مجلس آغاز کرده‌اند. سران رژیم و همه جناح‌ها و گروه‌های طرفدار جمهوری اسلامی تریبون‌های تبلیغاتی خود را برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی‌گیری به کار انداخته‌اند. هریک از باندهای درون هیئت حاکمه از «سرنوشت‌ساز» بودن این باصطلاح انتخابات سخن می‌گویند. گروه‌های طرفدار خاتمی این بار وعده‌های عملی نشده خود را به پیروزی بر جناح رقیب در انتخابات مجلس موکول می‌کنند. اما تجربه ۲۱ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی و وعده‌های توهالی آقای خاتمی در همین انتخابات ریاست جمهوری اخیر، به همگان آموخته است که با وجود رژیم جمهوری اسلامی که تمام حقوق و آزادیهای مردم را از آنها سلب نموده‌است، نه انتخاباتی به معنای واقعی کلمه وجود خواهد داشت و نه این یا آن جناح از هیئت حاکمه می‌تواند اندک بهبودی جدی در اوضاع به نفع مردم و مطالبات آنها ایجاد کند. نزدیک به ۳ سال از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری گذشت. در آن هنگام که وی هنوز به قدرت نرسیده بود، طیف وسیعی از حامیان نظم ستمگرانه موجود در ایران، تبلیغات گسترده‌ای را در میان مردم براه انداختند و گفتند که اگر او انتخاب شود، اوضاع تغییر خواهد کرد و مطالبات مردم متحقق خواهد شد. اما اکنون پس از گذشت نزدیک به سه سال از انتخاب وی، حالا بخش وسیعی از مردم ایران به خوبی پی برده‌اند که او هم مرتجع‌ی از قماش دیگر سران حکومت نظیر خامنه‌ای و رفسنجانی است. در این مدت نه تنها هیچ بهبودی جدی در وضعیت مردم و تحقق مطالبات آزادیخواهانه، دموکراتیک و رفاهی آنها صورت نگرفت، بلکه از برخی جهات وضع به مراتب وخیم‌تر شد. گویا قرار بود با انتخاب خاتمی، به مردم آزادی داده شود و جلو تعدیات ارگان‌های پلیسی و امنیتی گرفته شود. اما به جای همه اینها اختناق و سرکوب تشدید شد. در همین دوره است که مأموران وزارت اطلاعات، مخالفین سیاسی رژیم را در خانه‌هایشان سربریدند. نویسندگان آزادیخواه را در خیابان‌ها ربودند و بیرحمانه به قتل رساندند. صدها تن از مردم را در همین دوره به اتهامات سیاسی به حبس‌های طولی‌المدت محکوم کردند و به زندان انداختند. به دستور رئیس‌جمهور حکومت اسلامی که در رأس شورای عالی امنیت ملی است، جنبش حق طلبانه و آزادیخواهانه دانشجویان با بیرحمی تمام سرکوب شد و صدها دانشجو دستگیر و به حبس و حتی اعدام محکوم شدند. گویا قرار بود اندکی هم که شده فشار و سرکوب نسبت به زنان کاهش یابد، اما در عمل اقدامات سرکوبگرانه علیه زنان و تضییع حقوق آنها بیشتر شد. در همین دوره ریاست جمهوری خاتمی است که قوانین جدیدی علیه زنان در مجلس ارتجاع به تصویب رسید. البته طرفداران خاتمی ادعا می‌کنند که این قوانین در مجلسی به تصویب رسید که اکثریت آن با جناح دیگر است. اما آنها حقیقت را نمی‌گویند. گروهی از طرفداران همین جناح خاتمی در مجلس به این قوانین ارتجاعی رأی دادند. از این که بگذریم، اینها که هرکجا منافع جناحی‌شان اقتضا کند، مجلس را از اکثریت می‌اندازند و مانع تصویب پیشنهادات جناح رقیب می‌شوند، اگر مخالف این قوانین بودند، در آنجا هم می‌توانستند به همین شکل مانع تصویب آنها شوند. این حقایق نشان می‌دهند که جناح‌های هیئت حاکمه، از یک سرشت واحدند. همه یک مشت مرتجع‌اند. آخر مگر می‌شود کسانی که به حکومت اسلامی، به رژیم کهنه پرستی و ارتجاع، خرافات، بربریت قرون وسطائی و تبعیض آشکار معتقدند، کسانی که به تفریق دین و دولت باور دارند، پاسدار نظم ستمگرانه حاکم‌اند و حرفه آنها تحقیق و فریب مردم است، بخواهند یا بتوانند در جهت منافع مردم و خواست‌های آنها گام بردارند. بنابراین اگر انتخاب خاتمی تغییری به نفع مردم پدید نیآورد، بی‌هیچ تردیدی باید گفت که اگر طرفداران وی در مجلس ارتجاع اسلامی نیز از اکثریت برخوردار شوند، بازهم تغییری در اوضاع به نفع مردم و در جهت تحقق مطالبات آنها صورت نخواهد گرفت. آنها عوام فریبی می‌کنند و می‌خواهند با زهم با وعده‌های توهالی‌شان تعدادی از مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشانند و فردا هم آنرا علیه خود بکار ببرند و ادعا کنند که چندین و چند میلیون تن از مردم ایران طرفدار جمهوری اسلامی هستند. بنابراین مطلقاً به نفع کارگران و زحمتکشان، زنان ستمدیده، روشنفکران انقلابی و جوانان مبارز نیست که در این انتخابات شرکت کنند. از این گذشته در جمهوری اسلامی چیزی به نام انتخابات به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. در جایی که مردم از آزادی‌های سیاسی محروم‌اند، تشکلهای سیاسی و صنفی واقعی مردم وجود ندارند و آنها نمی‌توانند افراد مورد اعتماد خود را کاندیدا و به آنها رأی دهند، چه بحثی از انتخابات می‌تواند در میان باشد. رژیم جمهوری اسلامی از طریق وزارت کشور و شورای نگهبان‌اش تعدادی از افراد مطمئن و وابسته به خود را دستچین می‌کند و بعد به مردم می‌گوید حالا شما مجازید از میان افرادی که من تأیید کرده‌ام به کسانی رأی دهید. این انتخابات نیست. این انتصابات دولتی است، این یک انتخابات فرمایشی و قلابی است. در نهایت رقابتی میان دو گروه از مرتجعین پاسدار حکومت اسلامی بر سر سهم بیشتر از قدرت است. تقسیم قدرت میان «خودی‌ها» ست. روشن است که این باصطلاح انتخابات، قلابی، فرمایشی و ضد دموکراتیک است و توده مردم ایران باید آنرا تحریم کند.

کارگران و زحمتکشان! زنان ستمدیده! روشنفکران انقلابی! جوانان مبارز!

به هیچکدام از جناح‌های هیئت حاکمه و وعده‌های آنها اعتماد نکنید. دست رد بر سینه کسانی بزنید که منافع آنها در حفظ حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی است و شمارا دعوت به شرکت در انتخابات می‌کنند. انتخابات قلابی، فرمایشی و ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی را تحریم کنید. آگاه باشید که عدم شرکت شما در این باصطلاح انتخابات، شکست دیگری برای رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم بر ایران است. برای ایجاد یک حکومت واقعا دموکراتیک، برای تحقق مطالبات آزادیخواهانه، دموکراتیک و رفاهی خود، مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تشدید کنید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقراری حکومت شورائی

سازمان فداآیین (اقلیت)

دی ماه هزارو سیصد و هفتاد و هشت

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

اعتراضات سراسری کارگران و چند نکته پیرامون آن

ظاهراً" انتظار اینهمه بی مهری از اربابان خود نداشتند. بسیاری از کارگران از جمله کارگران شهرستان ری با برپائی اجتماعات اعتراضی، نسبت به عدم صدور مجوز گرد هم آئی کارگران اعتراض کردند. در این تجمعات اعتراضی کارگران می پرسیدند چرا درعین آنکه جامعه کارگری با مشکلات و معضلات عدیده‌ای روبروست اما هیچ گونه حق اعتراضی به آنها داده نمیشود؟ برگزاری تجمعات اعتراضی سراسری به روز ۲۸ آذر موقوف شد و در عین حال چانه زنی و تلاش برای متقاعد ساختن وزارت کشور برای صدور مجوز ادامه یافت. مضافاً" اینکه، گفتار های اعتراضی و نصیحت آمیزی نیز از سوی عناصر وابسته به تشکل های رژیم نیز عنوان گردید.

یک عضو هیئت اجرایی خانه کارگر وضعیت کارخانجات را شدیداً" بحرانی" خواند و علناً" از این وضعیت اظهار "نگرانی" کرد. وی درعین حال از تداوم رکود در کارخانجات، بحران بیکاری، اوضاع نابسامان واحدهای تولیدی و از اینکه "امنیت شغلی" کارگران بطور "جدی" در معرض "تهدید" قرار گرفته است و از اینکه قدرت خرید کارگران بسیار کاهش یافته است سخن گفت (کار و کارگر ۱۷ آذر) تا شاید دل اربابان را نرم کند. واقعیت های موجود و فشار کارگران از پائین جایی برای لاپوشانی حقایق توسط مدعیان دفاع از حقوق کارگر باقی نمی گذاشت و این موضوع روشن بود که کارگران نمیخواستند عقب بنشینند. محبوب گفت "اجتماع کردن ماهیت بدی ندارد که بخواهد منع شود و یا احتیاج به صدور مجوز خاصی داشته باشد" (کار و کارگر ۲۳ آذر). صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار گفت "گردهم آئی کارگران در روز ۲۸ آذر، یک اجتماع کاملاً" صنفی با اهداف صنفی است و جامعه کارگری در این گردهم آئی وفاداری خود به آرمانهای انقلاب، امام و مقام معظم رهبری و همچنین حمایت از رئیس جمهور را اعلام خواهد کرد" نامبرده اضافه کرد که بدین منظور از وزارت کشور درخواست مجوز شده است. او گفت که "در این لحظه در حال گفتگو برای کاستن افراد شرکت کننده هستیم!" (کار و کارگر ۲۴ آذر)، علاوه بر شوراهای اسلامی، نمایندگان انجمنهای اسلامی نیز مکرراً" اعلام کردند که این تجمع صرفاً" بمنظور برخی مطالبات صنفی است و از کارگران خواسته شده بود که این تجمع را

دوران جو تشنج برگزار نمایند. گردانندگان تشکل های وابسته به رژیم، به انحای مختلفی سعی کردند تا توجه مسئولین و دست اندرکاران حکومتی را به موقعیت بحرانی کارخانه ها جلب کنند. آنان نه فقط مکرر در مکرر نسبت به نظام و رهبر حکومت و امثال آن اعلام وفاداری کردند و اطمینان دادند که هیچ مسئله خاصی اتفاق نمی افتد چرا که تشکلهای فراخوان دهنده مراقب اوضاع هستند و امتحان خود را پس داده اند، بلکه در عین حال فاش ساختند که این تشکل ها دیگر نمیتوانند با وعده وعید سرکارگران را شیربه بمالند. بعنوان نمونه یکی

سخت و زیان آور شده اند که قبل از همه، مسئولین سازمان تامین اجتماعی با این خواست کارگران مخالفت کرده اند. افزون بر این ها، مدت هاست که تلاش هائی به منظور واگذاری بیمارستانهای تامین اجتماعی و نیز برای تغییر و دست بردن در قانون کار به نفع کارفرمایان صورت میگیرد که مجموعه این اقدامات و تلاشها، بر جو اعتراضی و ناراضیاتی در میان کارگران و محیط های کارگری به میزان بسیار زیادی افزوده است. شاخک های حسی رژیم در این محیط ها، طبق معمول و به منظور جلوگیری از اقدامات اعتراضی کارگران و یادست کم انعکاس جوناراضیاتی و ناآرام مراکز تولیدی، خواستار آن شدند تا در ملاقات و مذاکراتی با مسئولین سازمان تامین اجتماعی، راه مصالحه ای پیدا کنند و شاید آنان را به لغو برخی از بخشنامه های صادره راضی کنند. اما مسئولین مربوطه نه فقط از اقدامات خویش کوتاه نیامدند، بلکه از آن دفاع کرده و متذکر شدند که کلیه تصمیمات و بخشنامه های این سازمان با قوانین جاری مطابقت دارد. سخنان رئیس کانون عالی شورا های اسلامی کار مندرج در کار و کارگر ۲۴ آذر بخوبی پرده از ماهیت و تلاش این ارگان برمی دارد. او در این مورد می گوید " قصد اولیه کارگران متقاعد نمودن سازمان از طریق مذاکرات و نامه نگاری ها انجام شده بود که متأسفانه پاسخ منطقی و قانونی از سوی مقامات مسئول ارائه نشد، لذا تنهاره باقیمانده، تجمع در برابر دفاتر سازمان تامین اجتماعی و جلب افکار عمومی است"

به دنبال آن بود که کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، فراخوان داد که کارگران در سراسر ایران در روز ۱۵ آذر در برابر شعبات سازمان تامین اجتماعی مجتمع شوند و نسبت به محرومیت کارگران قراردادی و فصلی از دریافت مقرری بیمه بیکاری و نیز عدم همکاری مسئولین سازمان تامین اجتماعی در خصوص تصویب طرح بازنشستگی پیش از موعد اعتراض نمایند. آنان در عین حال درخواستی جهت صدور مجوز برگزاری این حرکت به وزارت کشور فرستادند. مسئولین کانون در عین حال به وزارت کشور اطمینان داده بودند که اجتماع کارگران بسیار آرام خواهد بود و در آن صرفاً" پاره ای مطالبات صنفی کارگران مطرح خواهد شد. نایب رئیس کانون در این رابطه می گوید " ما به هیچ وجه قصد اخلال و برهم زدن نظم شهر را نداشته و نخواهیم داشت و صرفاً" تلاش داریم خواست های صنفی و بحق کارگران را مطرح نماییم" (کار و کارگر ۱۵ آذر) با اینهمه وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب آن با برپائی این مراسم مخالفت کردند و در گفتگو های بعدی چنین وانمود ساختند که وزارت کشور در صورتی با این قضیه موافق است که مراسم در خارج از شهر برگزار شود. مخالفت وزارت کشور، نه فقط اعتراض توده کارگران را برانگیخت، بلکه موجب تعجب و اعتراض مجریان تشکل های وابسته به رژیم نیز گردید. آنها که آنهمه خوش خدمتی کرده بودند،

است و شوراهای اسلامی کار و تشکیلات خانه کارگرتا جایی که ازدستشان برآمده است برای پیشبرد اهداف حکومت در محیط های کارگری و برای کنترل مبارزه و اعتراض کارگری جد و جهد کرده اند و در راستای آرام سازی کارگران و رسیدگی به مطالبات کارگری نیز مشتقی دروغ و وعده تحویل آنان داده اند.

تجمعات اعتراضی سراسری اخیر کارگران در روز ۲۸ آذر ماه، برغم اعلام ممنوعیت آن از سوی وزارت کشور و به تبع آن اعلام لغو این آکسیون سراسری از سوی تشکل های وابسته فراخوان دهنده، یکبار دیگر این حقیقت را به اثبات رساند که حدت فشار و ناراضیاتی کارگری به آنجا رسیده است که در زمینه کنترل و ممانعت از مبارزه کارگری و گسترش آن دیگر از دست این تشکلهای وابسته و چشم و گوش های رژیم در محیط های کارگری نیز کاری ساخته نیست. جریان اعتراض سراسری اخیر کارگران را از نزدیک مورد بررسی قرار دهیم.

تلاش شوراهای اسلامی کار

جهت کنترل و به

مصالحه کشاندن مبارزات کارگران

طبقه کارگر ایران در شرایط بسیار دشواری بسر میبرد. به دلیل تشدید فشار بر کارگران و وجود مشکلات عدیده ای از ناحیه اخراج های وسیع، رواج گسترده تر قراردادهای موقت کار در سال جاری، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و زدن از حقوق و مزایای کارگران و بالاخره عدم رسیدگی به خواستههای کارگری، جو اعتراض و ناراضیاتی در محیط های کارگری بسیار بالاست. پاره ای اقدامات و تصمیمات دستگاههای حکومتی در زمینه مسائل کارگری از اوائل سال جاری، بر این جو اعتراض و ناراضیاتی دامن زده است. سازمان تامین اجتماعی طی ابلاغ بخشنامه ای به شعبات این سازمان در سراسر کشور، اعلام کرد که مقرری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی از اول سال ۷۸ پرداخت نشود. با توجه به رواج بسیار وسیع قراردادهای موقت ۸۹ روزه و سو استفاده کارفرمایان از این مسئله در اخراج ویا زدن و حذف کردن بسیاری از حق و حقوق کارگران، این موضوع، ناراضیاتی شدیدی را در میان بخش زیادی از کارگران برانگیخته است. سازمان تامین اجتماعی نه فقط مقرری بیمه بیکاری کارگران فصلی و قراردادی را نمی پردازد، بلکه در پرداخت این مقرری به کارگران اخراجی و بیکار شده دائمی نیز اختلالات و مشکلاتی ایجاد کرده است. بر طبق یکی دیگر از دستورالعمل های این سازمان برخی دیگر از اقلام داروئی از لیست تعهدات بیمه ای این سازمان نیز حذف گردیده است و در همان حال فرانشیزی که توسط داروخانه ها از بیمه شدگان اخذ می گردد، به میزان پنج درصد اضافه شده است. از سوی دیگر هم اکنون مدت هاست که قشر بسیار وسیعی از کارگران خواستار بازنشستگی پیش از موعد در کارهای

((انتخابات)) مجلس و ((چ)) هائی که از انقلاب روی برمی تابد!

این حقیقتی است انکار ناپذیر که جنبش های اعتراضی وسیع توده ای را که در شرایط معین و بر متن یکرشته مطالبات سیاسی و اقتصادی مشخص شکل می گیرند و جنبش اعتراضی دانشجویی اخیر را باید جز کوچک و مقدمه ای از این جنبش به حساب آورد، کسی نمیتواند نابود کند و یابری همیشه منتفی سازد. این جنبش ها را البته میتوان با نفوذ در رهبری آن به انحراف و بخشا" به مصالحه کشاند و یا با خشونت تمام سرکوب کرد، همانطور که فرضا" جنبش اعتراضی دانشجویی و تظاهرات خیابانی اخیر وحشیانه سرکوب شد، اما تجربه نشان داده است که با سرکوب هم نمیتوان از "شر" این جنبش ها خلاص شد. چرا؟ به این دلیل ساده که عوامل و دلایل اصلی بروز چنین جنبش هائی همچنان پای برجاست! با انبهمه باید دید مقصود نویسنده از طرح این مسئله چیست و چه هدفی را دنبال میکند. نشریه اتحاد کار می نویسد "بخشی از حکومت و درراس آن گروه خاتمی نیز آینده نظام را متضمن تن دادن به ابتدائی ترین خواست های این جنبش می دانند."

معنی صریح این عبارات آن است که بخشی از حکومت اسلامی و بطور مشخص ترجیح خاتمی حاضر است به خواسته های جنبش آزادیخواهان توده ای ولو ابتدائی ترین آنها و البته برای تضمین آینده نظام تن بدهد! در اینجا البته یک اشکال کوچک درکار نویسنده بوجود می آید. اشکال کار نویسنده اینست که بطور مشخص چیزی از این خواست ها بر زبان نمی آورد، نمیگوید چنان مورد نظر ایشان به کدام دسته از خواسته های جنبش اعتراضی و آزادیخواهان توده مردم از جمله خواسته های جنبش دانشجویی که در تظاهرات خیابانی بر زبان اعتراض کنندگان جاری شد، قرار است تن بدهد و چگونه می خواهد به آن جامه عمل ببوشاند؟ آیا این جناح می پذیرد که اقشار زحمتکش و ستم کشیده مردم، تشکل های مستقل خود را برپا کنند؟ آیا آزادی تشکلهای کارگری و آزادی اعتصاب را می پذیرد؟ آیا آزادی بیان و اندیشه، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات و اعتراضات و امثال اینها را می پذیرد؟ آیا برابر حقوقی زن و مرد و حتی آزادی پوشش را می پذیرد؟ نویسنده مقاله متاسفانه به هیچیک از این موارد مشخص و یا سایر خواست ها و مطالبات توده های مردم اشاره ای نکرده است و با کلی گوئی از کنار آن گذشته و چنین اظهار نظر نموده است که جناح خاتمی و خواسته های آن با مردم و مطالبات آزادیخواهان توده ها "همسو" است و بعد هم به چپ ها نهب می زند که "باید منافع مردم و تقویت جنبش آزادیخواهان را در وجود چنین همسوئی" بنگرند، که از این همسوئی برافروخته نشوند و قدر آن را بدانند چرا که "یکی از عوامل موثر در پیشرفت جنبش آزادیخواهان کنونی حفظ و به درازا کشیدن این همسوئی است!" به این مسئله پائین تر باز خواهیم گشت و فعلا" بحث نویسنده را پی میگیریم.

بحث بعدی نویسنده ادعای عقب نشینی خامنه ای در برابر خاتمی است. این بحث به این شکل عنوان شده است که در جریان بالا گرفتن قضیه "کنکور وقت ظهور" که نیروهای جناح خامنه ای بطور "یکدست و بی پرده" علیه خاتمی به "رزم" برخاسته بودند، خامنه ای می توانست اردوی دولت را برچیند و قبل از در دسر انتخابات مجلس ششم کار خاتمی را یکسر کند و حکم عدم کفایت رئیس جمهور را نیز به یک اشاره از مجلس بگذراند. اما خامنه ای این کار را نکرد و نویسنده از این داستان چنین نتیجه گرفته است که خامنه ای در برابر جناح دیگر آشکارا عقب نشینی کرده است! بحث عقب نشینی خامنه ای تا آنجا ادامه پیدا میکند که نویسنده مدعی می شود "اگر خامنه ای در انتخابات آینده به نفع خاتمی حرکت نکند، حداقل موضع بی تفاوت اتخاذ خواهد کرد و شورای نگهبان نیز به حذف کاندیداهای طرفدار خاتمی قادر نخواهد گشت!" و به دنبال آن است که بحث و نتیجه نهائی مطرح میشود و دروازه به روی "هرفرد ایرانی که به توسعه سیاسی ایران می اندیشد" برای شرکت در "انتخابات" گشوده می شود. بعد از آنکه ظاهرا" به خواننده اطمینان داده شده است که جناح خاتمی هم در اساس طرفدار همان چیزی است که مردم برای آن مبارزه می کنند و بعد از آنکه این اطمینان نیز حاصل میشود که خامنه ای و جناح او وحشیانه شوری نگهبان هم برای کاندیداهای مطلوب و مورد نظر نویسنده و یا همان طرفداران خاتمی مانعی به شمار

با نزدیک تر شدن موعد برگزاری انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی، جریانهای بورژوا- لیبرال نیز بر جنب و جوش تبلیغاتی خود افزوده اند و بی صبرانه دارند خودشان را برای شرکت در آن آماده میکنند. تشدید بحران سیاسی و اقتصادی و جریان رشد مبارزه طبقاتی، اپوزیسیون اصطلاحا" لیبرال و نیز همپالگی های آنها در حاکمیت را واداشته است تا با چرب زبانی از نیاز جامعه به اصلاحات بطور اعم و نیاز به آزادی مطبوعات و تشکل های خاص خود، سخن بگویند. آنان در همان حال که در هر گام عملی خواستار محدودیت ها و فشارهای بیشتری علیه طبقه کارگرسند و ضمانت های بیشتری علیه اعتصابات و اعتراضات کارگری و شورش های شهری دست و پا می کنند و از دولت میخواهند تا جنبش کارگران و زحمتکشان را بطور منظم زیر ضرب بگیرد، در عین حال از کارگران و سایر اقشار زحمتکش می خواهند از خواست های انقلابی و مبارزه قاطع خود دست بشویند و به اصلاحات جزئی منطبق بر قانون اساسی جمهوری اسلامی وعده داده شده از سوی خاتمی بسنده کنند. آنان در عین حال تحقق این به اصطلاح اصلاحات را با پیروزی جناح خاتمی در انتخابات مجلس ششم پیوند میزنند و از مدتهاست که در دعوت از مردم به شرکت در انتخابات، با سران رژیم همصدا شده اند.

در کنار و همسایگی اینها، پاره ای جریانها و محافل میانه باز نیز ولویا زبانی الکن، مشغول توجیه و تئوریزه کردن همین قضیه و زمینه سازی بازی در بساطی شده اند که حکومت اسلامی و استبداد حاکم آن را پهن کرده است. جریانهای که در آغاز روی کار آمدن خاتمی، هنوز از طرح صریح مواضع خود ابا داشتند و از اینکه کنه خواست آنها برملا میشد، کم و بیش احساس شرم میکردند؟! جریان مبارزه طبقاتی اما بدون تردید صف بندیهای طبقاتی را بیش از پیش صیقل میزند و هر جریانی را مستقل از ادعایش مجبور می کند تا در مبارزه میان دو طبقه اصلی جامعه، جایگاه واقعی خود را مشخص کند. یا در سمت انقلاب و در سمت کارگران و زحمتکشان و یا در سمت مرتجعین و طبقه سرمایه دار! راه سومی وجود ندارد. گریزندگان از انقلاب و مواضع انقلابی نیز هم اکنون دو اسبه در همین جهت دوام تاخت می کنند و سرگرم قلم فرسایی و جلب حمایت به نفع جناح خاتمی اند. آنان در تبلیغاتشان به نفع به اصطلاح همان اصلاحات جزئی موعود، به دامن بورژوا لیبرالها و همپالگی های حکومتی شان سقوط میکنند. این قبیل نیروها، ضرورت پیشبرد تبلیغات انقلابی در میان کارگران و زحمتکشان را نفی میکنند و در مطبوعاتشان سرنگونی جمهوری اسلامی را به زبان های مختلفی از دستور کار خارج می سازند و عملا" به مدافعان ابقا" همین حکومت اسلامی مبدل و محلق می شوند.

از همین نمونه است سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و ارگان مرکزی آن نشریه اتحاد کار. در شماره ۶۷ مورخ آبان ۷۸ این نشریه، مقالاتی در زمینه یاد شده به چاپ رسیده است. در این مقالات که حتی گاه با تحریف واقعیت ها نیز همراه است، موضوع شرکت در انتخابات مجلس ارتجاع و حمایت از خاتمی، خواه آشکار و صریح، خواه اندکی پوشیده و با صراحت کمتر، توصیه شده است و این تاکتیک البته همه جا به بهانه "تقویت جنبش آزادیخواهان" توجیه شده است. این موضوع در مقاله ای تحت عنوان "جنبش آزادیخواهان مردم، صف آرائی حکومت و موضع نسبت به انتخابات مجلس ششم" با امضا مصطفی مدنی، بطرز بسیار بارزی انعکاس یافته است. سواى مباحث دیگر، در این مقاله چند بحث و محور اصلی مطرح شده است که هر یک از دنبال و در تکمیل دیگری و به نحوی آورده شده است تا مقصود نهائی که همانا شرکت در انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی باشد، از آن حاصل شود. رئوس و خلاصه ای از این مقاله را با هم مرور میکنیم.

بحث نخست مقاله این است که "جنبش آزادیخواهان مردم" که جنبش دانشجویی اخیر جز کوچکی از آن بشمار میرود ("قلم کوچکی از کوه عظیم یخ در دل اقیانوس") نه شکست خوردنی است و نه کسی می تواند آنرا وجه المصلحه قرار دهد. "جنبشی که زنان، جوانان و روشنفکران، هستی امروز خویش را در پیشرفت آن می بینند و کارگران و اقشار زحمتکش جامعه بقا زندگی و معیشت خویش را در انکشاف آن میجویند" (تاکیدها از ماست)

((انتخابات)) مجلس و ((چپ)) هائی که از انقلاب روی بومی تابند!

نمی روند و نمی توانند آنها را حذف کنند، آنگاه در قبال چنین اوضاع و شرایطی وظیفه و تاکتیک سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را نیز مشخص می کند و می نویسد "ماقطعا" باید از کاندیداهای مستقل و نیروهای رادیکال جناح دوم خرداد پشتیبانی کنیم!" همانطور که ملاحظه میکنید نتیجه نهائی و کنگه بحث نویسنده اتحاد کار را میتوان اینطور خلاصه کرد، در انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی شرکت کنیم، به حمایت از جناح خاتمی برخیزیم و به کاندیداهای این جناح از حکومت اسلامی رای دهیم! این تاکتیک، البته روشن است که چیز دیگری جز تن سپردن به بازی های حکومت اسلامی، جز توهم پراکنی پیرامون مرتجعین و جز رای دادن به استبداد حاکم نیست. برای اثبات این ادعا، مانیز همان موارد مطروحه توسط نویسنده اتحاد کار را به ترتیب مورد بررسی قرار میدهم.

احتجاجاتی که منشأ آن خوف از انقلاب است

یکم: هر نیروی انقلابی و چپی که به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان ایران فکر می کند و در راه آن و برای پیروزی آن مبارزه می کند، و وقتی که یک چنین چرخش هائی را می بیند و از زبان نشریات، گروه ها و افرادی که خود را چپ و حتی سوسیالیست و کمونیست مینامند، میشنود که به طرفداری و حمایت از یک جناح حکومت اسلامی برخاسته اند، آنهم زمانی که تجربه اکثریت را ناظر بوده اند و در واقع بعد از سالیان دراز میخواهند این تجربه را مجدداً تجربه کنند، حقیقتاً نمیتواند دچار تاسف نشود. گرچه از ابتداهم هیچ شک و تردیدی در مورد ارتجاعی بودن ماهیت خاتمی و جناح او وجود نداشت، معهذاً در آغاز روی کار آمدن او، سیاست دنباله روی از وی و جناحش به این بهانه که او خواهان اصلاحات و "توسعه سیاسی" است، شاید هنوز می توانست گریز از اردوی انقلاب را توجیه کند. اما دو سال و نیم بعد از این قضیه آنهم زمانی که کنگه اصلاحات و ماهیت توسعه سیاسی مورد نظر وی برای اکثریت مردم برملا شده است، دیگر نمی توان دنباله روی از خاتمی و یک جناح حکومتی را به بهانه "همسوئی" خاتمی با مردم، توجیه کرد. برای کسی که چشم خود را بر روی حقایق و تجربه جمهوری اسلامی فرونبسته باشد، این یک امر روشن و بدیهی است که حکومت اسلامی و جناح های آن اساساً دنبال اهداف و مقاصد جدا از مردم و متضاد با منافع مردم هستند. همه جناح های حکومتی منجمله جریان خاتمی، خواهان حفظ نظام و وضع موجوداند. آنان خواهان تداوم حکومت مذهبی، رعایت اکید موازین شرع و اسلام در امور جامعه و حرکت در چار چوب قانون اساسی جمهوری اسلامی اند. بیست و یک سال بعد از روی کار آمدن این رژیم آیا کسی هست که نداند در قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی های سیاسی و آنچه را که "جنبش آزادیخواهانه مردم" دنبال و طلب میکند، به صراحت منع و نقض شده است؟ آیا کسی هست که نداند آزادی های سیاسی، آزادی بیان و اندیشه، آزادی زنان، آزادی شکل و غیره و غیره در بند بند قانون اساسی جمهوری اسلامی به بند کشیده شده است؟ آیا جز این است که حکومت اسلامی با استبداد دینی همزاد و همردیف بوده است؟ و مگر آقای خاتمی که فردی از همین دستگاه و از یک جناح حکومت است، هزار بار اعتقاد خود به حفظ همین نظام اسلامی و قانون اساسی آنرا اعلام نکرده است؟ توده کارگر و زحمتکش که بیشتر از بیست سال است تحت شدید ترین فشارهای فزاینده سیاسی و اقتصادی قرار دارد و قبل و بعد از روی کار آمدن خاتمی را تجربه کرده است، برخلاف آنچه که نویسنده اتحاد کار می خواهد القا کند، خواهان تداوم و نجات این نظام نیستند. آنان دنبال آزادی و رفاه اند و می خواهند هرچه فوری تر سایه این حکومت شوم از سرشان برداشته شود. این "همسوئی" نیست بلکه این عین دگر سوئی است. مسئله مردم و جنبش های اعتراضی و آزادیخواهانه توده ای به هیچوجه حفظ حکومت دینی نیست، برعکس همانطور که شمه ای از آن در جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه تیرماه دانشجویان هم دیده شد، تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی و نهادهای اصلی آن است. صد البته که این جنبش اعتراضی، هنوز با یک جنبش اعتراضی وسیع و سرتاسری که کارگران و زحمتکشان نقش و مداخله فعال تری در آن داشته باشند فاصله داشت و بیشتر از یک قله کوچکی از کوه عظیم یخ در دل اقیانوس نبود! انکار

این واقعیت ها به هیچوجه کار ساده ای نیست و فقط از عهده کسانی بر می آید که میخواهند و از قبل تصمیم گرفته اند مطالبات توده مردم را یکسان و همردیف و "همسو" با مطالبات جناح خاتمی قلمداد کنند. و او را مدافع منافع و خواست مردم جا بزنند. کسانی که خود را ولو چپ هم بدانند اما با عناصر حکومتی "همسو" و همصدا شده اند و در عمل خواهان طولانی تر شدن عمر همین حکومت گیریم با قوی تر شدن جناح "فعلاً" ضعیف تر آن هستند و البته که این چیزی نیست جز تلاش برای ابقا و دوام نظام و استبداد حاکم که خواست کل جناح ها هم هست! "جنبش آزادیخواهانه مردم" اما برخلاف ادعای نویسنده، نه در همسوئی و حمایت از جناح خاتمی و کشاندن این "جنبش" به دنباله روی از یک جناح حکومت، بلکه در افشا بی امان دروغ ها و فریب های تمامیت این حکومت و جناح های آن و استقلال آن از جناح های حکومتی است که تقویت خواهد شد.

دوم: ادعای بعدی نویسنده، مربوط به صف بندی جناح های حکومتی و عقب نشینی جناح خامنه ای در برابر جناح خاتمی است. هنگامی که انسان این بخش از به اصطلاح استدلال های نویسنده اتحاد کار را می خواند، بخوبی متوجه این مسئله نیز میشود که چگونه برای رسیدن به مقصود نهائی، واقعیت ها نیز ندیده گرفته شده و حتی تحریف میشود. هرکس این موضوع را میداند که جمهوری اسلامی از روزاول موجودیتش با اختلافات و کشمکش های درونی نیز روبرو بوده است. در جریان دو دهه کشمکش برسر قدرت بیشتر میان جناح ها، مردم ایران بارها شاهد عقب نشینی و پیشروی آنها بوده اند و این مسئله هیچ تغییری در ماهیت آنها ایجاد نمی کند. همین جناحی که امروز جناح غیر مسلط حکومتی است و اتحاد کار حمایت و تقویت آن را در دستور کار خود قرار داده است، در یک مقطع زمانی طولانی، جناح مسلط حکومتی بوده است. با اینهمه موازین حکومت اسلامی همان است که قبلاً بوده است و مردم ایران در تمام طول این سالها، شاهد کشتار، سرکوب و استبداد جمهوری اسلامی مستقل از آن که چه جناحی سهم بیشتری از قدرت را داشته است، بوده اند. در اینجا نیز فقط کسانی میتوانند از اختلاف و تضاد میان جناح های حکومت اسلامی به حمایت و تقویت یکی از آنها برسند و تقویت ارتجاع را به سیاست خویش تبدیل کنند و بعد هم این سیاست مخرب و ارتجاعی را تحت عنوان تقویت جنبش آزادیخواهانه مردم توجیه کنند، که بکلی از تبلیغ شعارهای انقلابی دست شسته و به دامان لیبرالیسم سقوط کرده باشند. کسانی که به تغییرات بسیار جزئی در چارچوب نظام ارتجاعی حاکم دل بسته اند و این واقعیت را که تحقق آزادیهای سیاسی بطور تنگاتنگ و گریز ناپذیری با سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است، آشکارا انکار نمایند! وگرنه این موضوع چندان پیچیده و غیرمکشوفی نیست که صرف نظر از اینکه کدام جناح عقب و یا کدام جناح جلو نشسته است، مسئله اساسی این است که در قبال مردمی که برای تحولات رادیکال و انقلابی مبارزه می کنند، این نه یک جناح، که کل حاکمیت است که در برابر آن ایستاده است و می ایستد و زندگی و مبارزه واقعی دهها بار این واقعیت را ثابت کرده است. با اینهمه باید دید آیا ادعای مشخص نویسنده مبنی بر عقب نشینی جناح خامنه ای در آستانه انتخابات مجلس ششم و یا عبارت دیگر پیش روی جناح خاتمی تا چه حد با واقعیت ها میخواند. نگاهی ولو مختصر به رویدادهای اخیرنه فقط حاکی از تشدید و تداوم کشمکش های همیشگی، که در موارد مشخصی اتفاقاً "مبین پیشروی جناح خامنه ای و عقب نشینی جناح خاتمی است. امروز دیگر هرکس این را میداند که خاتمی در مورد قتل های زنجیره ای نسبت به آنچه که وعده پیگیری را داده بود عقب نشسته است. یک سال و اندی بعد از این قتل ها، تازه طرفداران وی خبر می دهند که ایشان در جریان مسائل نیست و آقای رئیس جمهور نیز می گوید، پرونده این قتل ها در اختیار سازمان قضائی نیروهای مسلح قرار گرفته و "در آنجا افراد درستی هستند و تلاش میکنند" و از "تفاهم" خود با رئیس قوه قضائیه صحبت می کند و اینکه "ترتیباتی اندیشیدیم که انشاء الله اشرف بیشتری داشته باشیم"! (کار و کارگر ۲۵ آذر) در زمینه قتل های سیاسی و عقب نشینی جریان خاتمی، صرف نظر از تشکیل کمیته های تحقیق بی خاصیت وی که آنهم به منظور اب پاشیدن بر روی آتش داغ احساسات جریحه دار شده و غلیان مردمی که از این مسئله به خشم آمده بودند، همین بس که بگوئیم حتی روزنامه های رسمی جبهه دوم خردادی ها، نیز نه از عقب نشینی که حتی از "تسلیم"

اعتراضات سراسری کارگران و چند نکته پیرامون آن

خواست کار فرما و دولت اند ، با این همه در جریان این حرکت اعتراضی، باردیگر نقش آنها در به مصالحه کشاندن و انحراف مبارزه کارگری بر ملا گردید بویژه آنکه دست اندرکاران این تشکل ها زیر فشار اوضاع، رسماً و علناً اعلام کردند که تا کنون نیز با دادن یک سری وعده و وعید تو خالی برای آرام کردن جو کارخانه ها، کار دیگری انجام نداده اند. ثالثاً و مهمتر آنکه در جریان این حرکت اعتراضی بار دیگر این مسئله به عینه مشاهده شد که کارگران به تشکل های رژیم می هیچگونه اعتمادی ندارند، از وعده های آنان دیگر "خسته" شده اند و شدیداً آنها را مورد "سئوال" و باز خواست قرار میدهند. وقتی که کارگران برغم درخواست شوراهای اسلامی، به مبارزه اعتراضی خویش ادامه داده و به برپائی اجتماعات اعتراضی دست زدند، ضمن نشان دادن بی اعتمادی خود به این تشکلها، در واقع این موضوع را که شوراهای اسلامی کارناتوان از کنترل مبارزه و اعتراض کارگری است را به اثبات رساندند. خانه کارگری که خود از فراخوان دهندگان اصلی این تجمعات بود، از پائین تحت فشار شدید کارگران قرار داشت و دیگر نمی توانست منعی بر سر راه مبارزه کارگران ایجاد کند. بعد از تظاهرات و راه پیمائی اعتراضی کارگران در اول ماه مه که خانه کارگر برگزار کننده آن بود و در آخرین لحظات بدلیل عدم صدور مجوز راه پیمائی آنرا لغو کرد اما کارگران مستقل از خواست و اراده خانه کارگر به تظاهرات اعتراضی یا شکوئی دست زدند، تجمعات اعتراضی و سراسری کارگران در روز ۲۸ آذر، دومین حرکت بزرگی است که کارگران در جریان عمل، اندک اندک حساب خود را از این گونه تشکل ها جدا میکنند. کارگران ایران دریافته اند که پیشروی مبارزه کارگری و نتیجه بخش بودن آن متضمن استقلال از تشکل های یاد شده و ایجاد تشکل های مستقل کارگری است.

کارگران بود و پس از کلی سردواندن و مشغول کردن سران شوراهای اسلامی، سرانجام هم تجمع کارگران را منع کرد، در عوض برای اعزام نیروهای امنیتی و انتظامی خود به محل تجمع کارگران هیچ مشکل و مانعی وجود نداشت. معهداً برغم بکارگیری و اعزام نیروهای انتظامی و امنیتی و حتی ضرب و شتم کارگران، این تجمعات اعتراضی علاوه بر تهران، در بسیاری از شهرهای دیگر نیز برگزار گردید و به یک آکسیون سراسری تبدیل گردید. در اهواز هزاران تن از کارگران و بازنشستگان با تجمع در مقابل خانه کارگر این استان تجمع اعتراضی برپا کردند. در مشهد کارگران واحد های صنفی، خدماتی و صنوف با اجتماع در محل خانه کارگر خراسان، دست به اعتراض زدند و چنین مطرح کردند که اجتماعات صنفی کارگری نیازی به مجوز از وزارت کشور ندارد. در قزوین نیز کارگران اجتماع اعتراضی برپا کردند که مدیر کل تامین اجتماعی قزوین با حضور در جمع اعتراض کنندگان، کارگران را به آرامش دعوت کرد. در تبریز، قائم شهر، همدان، قم، بوشهر، زنجان، گلستان، هرمزگان، گیلان (رشت)، کرمان و برخی دیگر از شهرها نیز کارگران تجمعات اعتراضی مشابهی برپا کردند. گرچه هنوز نتایج این تجمعات اعتراضی خبری در دست نیست، اما مستقل از این موضوع در جریان این اقدام اعتراضی، اولاً: یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری دولت و وزارت کشور آن که به جناح خاتمی منتسب می شود و پیرامون "جامعه مدنی" او تبلیغات زیادی براه انداخته اند، برای کسانی که هنوز به اینها توهم داشتند، بر ملا شد. ثانیاً: گرچه اکثریت کارگران تشکل های وابسته به رژیم نظیر شوراهای اسلامی کار را می شناسند و تا کنون هم به تجربه در یافته اند که آنها کاری برای کارگران انجام نمی دهند و در اساس دنبال منافع و

از اعضا هیئت مدیره کانون همهانگی شوراهای اسلامی کار، در این مورد میگوید "همین تشکل های کارگری از بدو پیروزی انقلاب در خدمت انقلاب و رهبری کارخانه ها را از هر گزندی مصون داشته اند!" و رئیس این کانون میگوید "ما بعنوان نمایندگان کارگران در بسیاری از امور با وعده وعیدهای دلگرمی به آنان (کارگران) داده ایم، اما این وعده ها تا کی میتواند کارساز باشد. این جوابی است که لازم است دست اندرکاران بیشتر به آن تعمق کنند. و ما هم طبعاً از این نظر زیر سؤال کارگران هستیم!" او در ادامه سخنان خود در عین حال چنین اضافه میکند که "مدتی است که کارگران از وعده های ما خسته شده اند" (کار و کارگر ۲۷ آذر) رئیس کانون همهانگی شوراهای اسلامی در عین حال این موضوع را فاش می سازد که کارگران خواستار مجوز راه پیمائی اند که وزارت کشور به آنان توصیه کرده است که فقط تا حد تجمع اکتفا کنند. و ایشان هم قول داده که به همین حد بسنده شود (همان). با این وجود و برغم تمامی توصیه ها، هشدارها، نصیحت ها و تظلمات، وزارت کشور از صدور مجوز خودداری کرد و با صدور اطلاعیه ای در روز ۲۸ آذر اعلام نمود که "وزارت کشور با تجمع کارگران که قرار بود در مقابل دفاتر سازمان تامین اجتماعی در تهران و مراکز استان ها برگزار شود، موافقت نکرد" و هرگونه تجمعی را "فاقد وجاهت قانونی" خواند. به دنبال اطلاعیه وزارت کشور، کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز بلافاصله با صدور اطلاعیه ای "پایبندی خود به ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی" را اعلام و تجمع سراسری کارگران در برابر دفاتر سازمان تامین اجتماعی را لغو نمود. در این اطلاعیه ضمن گله از وزارت کشور، چنین عنوان شده بود که "اگر روند کنونی ادامه یابد هیچ گونه ضمانتی در مورد آرام نگه داشتن وضعیت موجود وجود ندارد"

کارگران مستقلاً

به تجمعات اعتراضی دست زدند

برغم اعلام ممنوعیت اجتماعات کارگری از سوی وزارت کشور و نیز لغو آن از سوی کانون همهانگی شوراهای عالی کار، روز ۲۸ آذر، کارگران در تهران و بسیاری دیگر از شهرها، تجمعات اعتراضی خویش را بر پا ساختند و سیاست های سازمان تامین اجتماعی را محکوم کرده و خواستار تجدید نظر در آن شدند.

در تهران شمار زیادی از کارگران در برابر شعبه سیزده تامین اجتماعی، تجمع اعتراضی خود را برپا کردند. برغم تلاش هایی که از سوی کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران برای پراکنده نمودن کارگران بعمل آمد، اما کارگران به تلاش این افراد و خواست آنها وقعی ننهادند و در اجتماع خویش به سیاست های سازمان تامین اجتماعی اعتراض کردند و خواست های خویش را نظیر پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی، لغو بخشنامه های تامین اجتماعی، ارائه خدمات مطلوب به بیمه شدگان از سوی این سازمان مطرح نمودند. اگر دولت مخالف صدور مجوز راه پیمائی

حق اعتصاب و ایجاد تشکل های



مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتصاب و تشکل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است.

سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بلادرتگ حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

مرگ بر نظام سرمایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان اقلیت

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

بودجه دولت و هزینه های یک دستگاه انگل

انجامید. برخی از کارشناسان اقتصادی رژیم از هم اکنون پیش بینی کرده اند که نرخ رشد تورم در سال آینده رقمی در حدود ۴۰ درصد خواهد بود. این همه فشار به توده مردم، به کارگران و زحمتکشان تحمیل میشود تا مخارج دستگاه انگل دولتی تامین شود. تا بودجه بیشتری به ارگانهای سرکوب نظامی - پلیسی و امنیتی و بوروکراتیک اختصاص یابد. مطابق ارقام لایحه بودجه، قرار است در سال آینده بودجه ای که به دستگاه پلیسی و امنیتی اختصاص مییابد ۵۴/۵ درصد افزایش یابد. افزایش بودجه دستگاه نظامی ۳۱ درصد و دستگاه قضائی ۶۱/۵ درصد خواهد بود. بودجه تمام ارگانهای سرکوب نظیر ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای انتظامی، بسیج، وزارت اطلاعات، دادگاهها و زندانها شدیداً افزایش یافته است. این در حالی است که بودجه های بهداشت و درمان و آموزش حتی از برخی جهات کاهش نیز یافته اند. دولت ادعا می کند که بودجه آموزش و پرورش مطابق لایحه جدید، ۲۳ درصد افزایش یافته است. اما اگر نرخ رشد تورم در نظر گرفته شود، عملاً از بودجه سال جاری نیز کمتر خواهد بود. بنا بر این روشن است که هرچند آموزش، بهداشت و درمان نیز حتی از زاویه منافع طبقه سرمایه دار و حفظ و آموزش نیروی کار ضروری است، اما در جمهوری اسلامی تمام ارگانها و نهادهای سرکوبگر و انگل در اولویت قرار دارند و هزینه های کلانی صرف نگهداری و سازماندهی آنها میشود. هزینه کلان این دستگاه انگل را نیز از کارگران و زحمتکشان ایران می گیرند. بودجه دولت هر سال، این واقعیت را آشکارا نشان میدهد.

مالیات بیشتری بپردازند که این افزایش مالیات حدوداً یک سوم مالیاتی است که اکنون می پردازند. البته باید در نظر داشت که رقم واقعی مالیاتی که دولت میخواهد از مردم بگیرد، به رقم ۳۱ درصد کل بودجه محدود نمی شود. بخش دیگری از درآمدهای بودجه دولت، یعنی معادل ۲۰ درصد قرار است از منبع سایر درآمدها تامین شود. بخش قابل ملاحظه ای از این "سایر درآمدها" نیز از طریق عوارض و مالیات و انواع ابزارهای سرکوب کردن مردم تامین میگردد. هنوز جزئیات لایحه بودجه در مجلس به بحث گذاشته نشده و در مطبوعات نیز انعکاس نیافته است، تا دقیقاً بتوان گفت چه مقدار از طریق مالیات و عوارض و غیره از مردم گرفته می شود و تاثیر آن بر وخامت شرایط زندگی مردم چه ابعادی دارد، اما از اخبار جستجو و گریخته روزنامه های رژیم چنین برمی آید که قرار است کالاها و خدمات انحصاری دولت تا به آن حد افزایش یابند که بخش قابل ملاحظه ای از درآمدهای مالیاتی دولت با رشدی معادل ۳۳ درصد از طریق مالیات غیر مستقیم تامین گردد و علاوه بر این بخش زیادی از درآمدهای سایر منابع از طریق وضع عوارض های متعدد و چاپیدن مردم توسط ادارات دولتی تامین شود. قرار است در سال آینده بهای هرلیتر بنزین ۴۵۰ ریال باشد که افزایشی معادل ۱۰۰ ریال را نشان میدهد. افزایش بهای دیگر فرآورده های نفتی، گاز و برق نیز از ۲۰ تا ۵۰ درصد خواهد بود. بهای تولیدات شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت های تابعه آن، ۴۰ درصد افزایش مییابد. مالیات مستقیم بر هر خط جدید تلفن همراه ۱/۵ میلیون ریال خواهد بود و بر هر ۳۰۰ سی سی نوشابه ۷۰ ریال افزوده میشود، در حالی که قبلاً ۲۰ ریال بود.

مطابق مواد و تبصره های لایحه بودجه، به تمام ادارات و موسسات دولتی دستور داده می شود که تا آنجا که می توانند در ازای هر کارناچیزی از مردم پول بگیرند. بعنوان نمونه سازمان ثبت احوال بابت صدور کارت های مختلف از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال از مردم خواهد گرفت و هرکس که نیازی به یک المثنی داشته باشد باید ۲۰۰ هزار ریال بپردازد. صدور و تعویض گذرنامه به یکصد هزار ریال افزایش یافته است. در اجرای طرح تعویض پلاک خود روها به ازای هر دستگاه ۵۰ هزار ریال گرفته میشود و بابت شماره گذاری هر دستگاه خودرو سواری در تهران و کرج یکصد هزار ریال اخذ میگردد. کسانی که به دلایلی از خدمت سربازی معاف میشوند باید بابت صدور کارت معافیت ده هزار ریال و برای گرفتن المثنی ۲۵ هزار ریال بپردازند. عوارض خروج مسافر از کشور ۳۰۰ هزار ریال تعیین شده و دهها نوع عوارض و باج و خراج دیگر تعیین شده است. تمام شواهد نشان میدهند که این افزایش مالیاتها که عمدتاً غیر مستقیم هستند، و انواع عوارض و افزایش بهای خدمات دستگاه های دولتی، به افزایش شدید قیمتها و رشد جهش وارنرخ تورم خواهد

این بودجه کلان دستگاه دولتی از کجاست؟ در لایحه بودجه آمده است که ۴۹ درصد آن از طریق درآمدهای نفتی تامین می شود. یعنی میلیارد هادلاز، نفتی را که کارگران در طول یک سال تولید می کنند، تماماً صرف هزینه های دستگاه انگل و سرکوبگر می شود. این ثروت عظیم تولید شده توسط کارگران نفت که در اصل می باید صرف رفاه و آسایش مردم و پیشرفت و توسعه مادی و معنوی آنها گردد همه ساله توسط دستگاه غیرمولد و انگل دولت بلعیده میشود. معذرت این در آمد کلان نفتی هم جوابگوی هزینه های دستگاه عریض و طویل دولتی نیست. در بودجه سال آینده قرار است ۳۱ درصد از کل بودجه دولت از طریق مالیات تامین گردد که به گفته رئیس بانک مرکزی رژیم در مقایسه با سال جاری ارزشی معادل ۳۲/۸ درصد برخوردار است. حالا سؤال این است که چه کسی باید این حجم کلان مالیات را بپردازد. ظاهراً باید مالیات را کسانی بپردازند که چیزی دارند یعنی مالک و سرمایه دار و ثروتمندان. و سودها و درآمدهای کلان دارند. اما در واقعیت چنین نیست. در ایران، سرمایه داران و ثروت مندانی چیزی بعنوان مالیات نمی پردازند و یا آنقدر این مالیات ناچیز است که در کل مالیات های وصول شده رقم بسیار کمی را تشکیل میدهد. این واقعیت بر همگان روشن است که بر طبق مصوبات دولت، لاقلاً از دوران رفسنجانی به بعد، بخش قابل ملاحظه ای از سرمایه گذاری ها از تسهیلات متعدد مالیاتی برخوردارند. در برنامه سوم هم که اخیراً در مجلس به تصویب رسید تصریح شد که سرمایه داران داخلی و خارجی از معافیت های مالیاتی و حقوق و عوارض دولتی در زمینه های مختلف برخوردارند. این را هم می دانیم که سرمایه داران بویژه بخش تجاری آن از طریق حساب سازی های قلبی و دوز و کلک های حسابداری، سودهای کلان خود را پنهان میسازند و چیزی بعنوان مالیات نمی پردازند. در نهایت ممکن است آنها اندکی رشوه به ماموران وزارت دارائی بدهند و خود را کاملاً خلاص کنند. حالا بگیریم که سرمایه داران یک بخش بسیار ناچیزی هم به عنوان مالیات بپردازند، اما اولاً این رقم در کل درآمدهای مالیاتی دولت ناچیز است. ثانیاً - سرمایه داران، همین بخش ناچیز مالیات را هم به طرق مختلف، از طریق افزایش قیمت کالاها و خدمات به مصرف کننده تحمیل می کنند. لذا روشن است که بخش اعظم مالیات را دولت به شکل مستقیم یا غیر مستقیم از کارگران و زحمتکشان میگیرد. این بدان معناست که کارگران و زحمتکشان ایران باید بخشی از حقوق دستمزد و درآمد ناچیز خود را بعنوان مالیات به دولت بپردازند. و چون هزینه های دستگاه دولتی در سال آینده افزایش یافته است و قرار است بودجه ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، بسیج، دادگستری، وزارت اطلاعات، دستگاه روحانیت و غیره افزایش یابد، لذا کارگران و زحمتکشان ایران باید در سال آینده

کمک های مالی رسیده

آمریکا	زندانسی سیاسی	۱۰۰ دلار
آمریکا	بدون کد	۱۰۰ دلار
استرالیا	هوداران سازمان	نرم افزار فارسی
استرالیا	ماه دسامبر	۵۰ دلار استرالیا
استرالیا	کمک به نشریه	۲۰ دلار استرالیا
استرالیا	کمک به نشریه	۲۰ دلار استرالیا
استرالیا	کمک به نشریه	۱۰ دلار استرالیا
دانمارک	بدون کد	۵۰ کرون
دانمارک	بدون کد	۵۰ کرون
دانمارک	بدون کد	۵۰ کرون

اخباری از ایران

تجمع و تظاهرات کارگران کارخانه ملبیران

حدود ۳۰۰ کارگر کارخانه ملبیران روز ۱۳ دی ماه در مقابل وزارت کار اجتماع کردند و دست به تظاهرات زدند. اعتراض کارگران به عدم پرداخت دستمزدها بود.

یکسال نیم است که کارگران این کارخانه دستمزد و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران معترض گفتند: کارفرما در سال ۷۷، اقدام به باز خرید اجباری ۱۲۰ تن از کارگران نمود و ۲۷۰ نفر باقی مانده از آن زمان حقوقی دریافت نکرده‌اند. کارگران همچنین گفتند که به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما، از خدمات بیمه نیز محروم شده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران البس ناس

مدیریت اجرایی شرکت البس ناس به بهانه رکود، دهها تن از کارگران این کارخانه را اخراج و از تمامی کارگران خواسته است که هرچه زودتر نسبت به باز خرید خود اقدام کنند. در اعتراض به این اقدام ضد کارگری، کارگران در روز یکشنبه هفت آذر ماه، یک تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه برپا کردند و خواستار بازگشت به کاروراه اندازی کارخانه شدند. شایان ذکر است که کارخانه البس ناس، واقع در شرق تهران تولید کننده پوشاک و تحت پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد. مسئولین کارخانه به قصد تعطیل این واحد، از اوائل مهرماه ابتدا سیستم گرمائی کارخانه و سپس سرویس ایاب و ذهاب را قطع کردند و نه فقط حقوق و مزایای کارگران را از اول مهرماه نپرداخته‌اند، بلکه در روز ۱۳ آبان عملاً حکم اخراج کارگران را نیز صادر کردند. بنابه اظهارات یکی از کارگران این واحد، مدیریت کل بنیاد از تاریخ ۷/۷/۷۸ تصمیم به انحلال این کارخانه و درصدد تسویه حساب با کارگران برآمده و به شیوه های مختلفی کارگران را در تنگنا قرار داده است تا اجباراً به باز خرید رضایت دهند حال آنکه کارگران این کارخانه خواهان ادامه کاری این واحد، تضمین شغلی و پرداخت حقوقهای معوقه خود هستند. یک زن کارگردمین رابطه می گوید " ما فقط می خواهیم امنیت شغلی داشته باشیم و به سر کارمان برگردیم مگر این انتظار زیادی است؟"

اعتصاب کارگران بهمن پلاستیک

کارگران شرکت بهمن پلاستیک در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان شرکت به مشکلات خویش روز ۲۴ آذر دست به اعتصاب زدند. کارگران اعلام کردند چنانچه به مشکلات حقوقی و معیشتی آنها رسیدگی نشود، به اعتراض

خویش ادامه خواهند داد. گفتنی است که مسئولین شرکت یاد شده جهت حل مشکلات کارگران، قول مساعد داده‌اند.

اجتماع اعتراضی کارگران خانه سازی اهواز

به حکم دادگاه عمومی اهواز، کارخانه خانه سازی اهوازیلمپ شد و ۱۵۰ کارگر این کارخانه نیز به خیل کارگران بیکار اضافه شدند. در اعتراض به این اقدام، کارگران در محل کارخانه مجتمع شدند و ضمن محکوم کردن صدور حکم مربوطه، خواستار ادامه کار و تضمین شغلی خود شدند. لازم به ذکر است که فردی به نام عبدالله مرعشی در تاریخ ۲۵ آذر به کارخانه مراجعه میکند و مدعی میشود که این کارخانه متعلق به او میباشد و تهدید میکند که کارخانه را پلمپ و کارگران را اخراج خواهد کرد. یک هفته بعد نامبرده همراه با مامورین نیروی انتظامی و حکم قضائی به محل کارخانه آمده و آن را پلمپ می کند. بنا به اظهارات یکی از کارگران این کارخانه، عبدالله مرعشی از چند سال پیش این کارخانه را به صورت اقساطی خریداری نموده که از زمان تحویل آن به مدت ۹ ماه حقوق کارگران را نپرداخته است. این فرد سپس شروع به فروش اموال کارخانه نموده و بعلت سو استفاده های کلان از شرکت های تعاونی مسکن اهواز، زندانی میشود. پلمپ کارخانه در حالی صورت میگیرد که بقول یکی از کارگران، نامبرده روزها آزاد است و فقط شب ها به زندان می رود و هنوز مهلت زندانی او تمام نشده است! کارگران در تجمع اعتراضی خود، اقدام نیروهای انتظامی و دستگاه قضائی و حمایت دولت از مالک کلاه بردار را محکوم کردند و خواستار باز شدن کارخانه و ادامه کار خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران آذربایجان

کارگران واحدهای صنعتی آذربایجان غربی در یک تجمع اعتراضی نسبت به اخراج ۸۴ تن از کارگران پتروشیمی ارومیه اعتراض کرده و خواهان بازگشت به کار این کارگران شدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران نسبت به قرارداد های موقت کار نیز ابراز نگرانی نمودند. همچنین اعلام کردند در قبال اقدامات سازمان تامین اجتماعی نظیر قطع مقرری بیمه بیکاری کارگران هرگز سکوت نخواهند کرد.

تجمع اعتراضی کارگران خراسان

بمنظور اعلام اعتراض به عملکرد سازمان تامین اجتماعی، کارگران در خراسان دست به یک

تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران علاوه بر پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کلیه کارگران واجد شرایط و نیز اصلاح دستور العمل های سازمان تامین اجتماعی، خواستار بازنشستگی پیش از موعد شدند.

اعتراض کارگران هفت تپه

کارگران موقت گروه صنعتی کاغذ پارس هفت تپه، برنامه سرگشادهای نسبت به عدم تضمین شغلی خود اعتراض کرده و ضمن ابراز نگرانی خواستار آن شده‌اند که بصورت رسمی در آیند. قابل ذکر است که این عده از کارگران که بیش از ۴ سال است در صنایع کاغذی پارس مشغول بکاری باشند، هم اکنون در معرض اخراج قرار گرفته‌اند.

اعتراض کارگران در کرمانشاه

شماری از کارگران صنعت نفت کرمانشاه قسمت پالایشگاه خط لوله پخش با سابقه ۳۰ سال کار به بالا، که به سن قانونی بازنشستگی رسیده‌اند، خواهان بازنشسته شدن هستند، اما مدیر عامل شرکت به این درخواست کارگران توجهی نمی کند و آن را نمی پذیرد. از سوی دیگر از طرف سازمان تامین اجتماعی استان کرمانشاه نیز به کارگران گفته شده است که حق بیمه آنها پرداخت نشده است! کارگران نسبت به این مسائل اعتراض دارند و با ارسال یک یادداشت اعتراضی برای مطبوعات، خواستار رسیدگی به این خواست قانونی خود شده‌اند.

اعتراض کارگران پارس آریین

مدتی است که مدیریت شرکت پارس آریین به بهانه های واهی از پرداخت برخی از حق و حقوق کارگران شانه خالی می کند و اخیراً مسئولین شرکت از کارگران خواسته اند تا با دریافت سنوات باز خرید شوند که البته این موضوع اعتراض شدید کارگران را برانگیخته است. کارگران خواهان ادامه کاری، تضمین شغلی و دریافت همه حقوق و مزایای خویش‌اند و از مسئولین خواسته اند که در این زمینه اقدامات عاجل به عمل آورند. شایان ذکر است که این شرکت تحت پوشش " کمیته امداد امام خمینی" قرار دارد و دارای ۱۳۰ کارگر است که اکثریت آنان ۲۵ سال سابقه کار دارند.

اعتراض کارگران پنبه نسوز

کارگران شرکت پنبه نسوز نهبندان، چند ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. این کارگران اخیراً با ارسال نامه‌ای به مدیریت شرکت خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. همچنین برخی دیگر از کارگران این شرکت از به اصطلاح نمایندگان این شهردر مجلس خواستند تا هرچه زودتر نسبت به تصویب طرح بازنشستگی پیش از موعد کارگران در کارهای سخت و زیان آور اقدام کنند.

در صفحه ۱۰

دستمزدهای معوقه کارگران باید پرداخت گردد

اخباری از ایران

نامه اعتراضی کارگران صنایع چوبی

کارگران صنایع چوبی بیش از یک سال و نیم است که همچنان درحالت بلاتکلیفی بسر میبرند و با وجود آنکه بارها و در اشکال مختلفی دست به اعتراض زده اند، اما مسئولین مربوطه از پذیرش خواستههای کارگران سرباز زده اند. این کارگران، اخیراً "نیز با ارسال یک یادداشت اعتراضی برای خانه کارگر و با اشاره به "بلاتکلیفی بیش از ۲۰ ماه و عدم دریافت حقوق و ندادن پاسخ مناسب" نسبت به بی توجهی مسئولین شرکت اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده اند.

نامه اعتراضی کارگران پالایشگاه اراک

۴۰۰ تن از کارگران و کارکنان قراردادی و پیمان کاری پالایشگاه اراک، با ارسال نامه ای به مطبوعات بسبب به مشکلات خود اعتراض کرده و خواستار تضمین شغلی خود شدند. در این نامه که از جمله رئیس جمهور نیز مورد خطاب قرار گرفته است، نسبت به تضيیقات حقوق کارگران قرار دابی از جمله به حساب نیاموردن سنوات خدمتی کارگران، عدم برخورداری کامل از بیمه خدمات درمانی و نظیر آن اعتراض شده است. کارگران در انتهای نامه خود خواستار استخدام رسمی شده اند.

کارگران نساجی بارش مدیرعامل و هیئت مدیره را بازداشت کردند

کارگران نساجی بارش که مدتی است دستمزد آنها به تعویق افتاده است، در اوائل دی ماه چند روز دست به اعتصاب زدند. کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مزایای خود، مدیر عامل و هیئت مدیره کارخانه را دستگیر و زندانی کردند. نیروهای سرکوب رژیم برای آزاد کردن آنها مداخله نمودند. از نتیجه اعتراض کارگران اطلاعی در دست نیست.

چای جهان تعطیل شد

شرکت چای جهان وابسته به بنیاد مستضعفان تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شدند. یکی از کارگران این شرکت در رابطه با اظهارات رئیس جدید بنیاد که گفته بود "من نه با تعطیل کارخانه ها موافقم و نه تعدیل نیروی انسانی" یادداشتی به روزنامه کار و کارگرفرستاد و تعطیلی چای جهان و نیز کارخانه البس ناس که آنهم زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد را یادآوری کرد. این کارگر که از این طریق دروغ رئیس بنیاد را فاش ساخته بود در یادداشت خود نوشته است، "قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را"؟

کارگران و کارگاههای کوچک

به نقل از روزنامه کار و کارگر، طبق آخرین آمار و اطلاعات موجود، بیش از ۱۴ میلیون نفر فرد شاغل در قالب دو میلیون کارگاه در بخش های کشاورزی و صنعت و معدن و خدمات در کل کشور به کار اشتغال دارند و ۹۸ درصد این کارگاهها، کارگاههای کوچک یعنی کارگاههایی است که تعداد کارگران آن کمتر از ۲۰ نفر است. همچنین ۹۶ درصد از ۱۴ میلیون نفر فوق الذکر یعنی رقمی حدود یازده میلیون نفر از شاغلین و کارگران کشور، در کارگاههای کار می کنند که تعداد کارگران آن کمتر از ۲۰ نفر است.

حوادث ناشی از کار

به علت عدم رعایت ایمنی محیط کار از سوی سرمایه داران، همه روزه تعدادی از کارگران در حین کار جان خود را از دست می دهند و یا دچار صدمات شدید می شوند. در اواسط آذر ماه در اثر نشست نئوکسیدکربن و متان در تونل شماره پنج معدن سنگرود لوشان، و مسدود شدن تونل، تعدادی از کارگران دچار مسمومیت گاز گرفتگی شدند. مقامات دولتی اعلام کردند که به علت گاز گرفتگی شدید، ۱۰ تن از کارگران به بیمارستان منجیل و سه تن به رشت انتقال داده شدند. از سرنواشت کارگرانی که به بیمارستان انتقال یافته اند، اطلاعی در دست نیست.

چند روز بعد در کارخانه فیبر سازی بابل سر نیز فاجعه دیگری رخ داد و به علت ترکیدن دیگ بخار در این کارخانه، در نتیجه سوختگی شدید، سه تن از کارگران جان خود را از دست دادند و یک کارگر شدیداً زخمی شد. علت انفجار، فشار زیاد بخار و کار نکردن سوپاپ اطمینان اعلام شد.

همچنین در اثر یک حادثه دلخراش در یک کارگاه فلز در همدان، یک کارگر از ناحیه گردن دچار شکستگی گردید و نخاع وی قطع شد. در اثر این حادثه دست چپ این کارگر نیز آسیب دید. این حادثه هنگام کار بر روی دستگاه کشش مفتول روی داد. طبق گزارش روزنامه کار و کارگر علت این حادثه عدم رعایت موارد ایمنی بوده است.

بیش از ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار

یک مقام مسئول وزارت کار با استناد به آمار سال ۷۷ اداره کل آمار و محاسبات سازمان تامین اجتماعی گفت، حدود ۷۵۷ هزار و ۲۷۰ کارگاه با ۵ میلیون و ۸۶۰ هزار کارگر در کشور فعالیت دارند که نزدیک به ۴۰۰ بازرس کار، امور مربوطه به قانون کار بویژه حفاظت و ایمنی را در این واحدهای تولیدی و صنعتی تحت کنترل خود قرار دارند و این تعداد بازرس را ناکافی دانست و چنین اضافه کرد در طول برنامه سوم هزار نفر دیگر به آن اضافه خواهد شد. وی همچنین ادعا کرد تعداد حوادث ناشی از کار در ۸ سال گذشته از ۱۹ هزار و ۳۲۵ مورد به ۱۲ هزار و ۳۰۶ مورد کاهش یافته است.

خودسوزی در میان خانواده های کارگری

یکی از مسئولین شوراهای اسلامی کار استان فارس اعلام کرد که در ظرف سال گذشته و امسال، چندین واحد صنعتی بزرگ در فارس تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شده اند. از جمله این واحدها، تعطیلی پارچه بافی شهید فرزندان شیراز است که متعاقب آن ۵۰۰ کارگر، کار خود را از دست داده اند. وی همچنین اضافه کرد که با توجه به وجود مشکلات عدیده حاکم بر خانواده های کارگران بیکار شده، تاکنون ۱۵ فقره خود سوزی در میان این خانواده ها گزارش شده است.

تحصن دانشجویان در بیرجند

جمع زیادی از دانشجویان دانشگاه بیرجند، هفته آخر آذر ماه در اعتراض به اوضاع نابسامان دانشگاه از جمله مسائل رفاهی و صنعتی و فرهنگی این دانشگاه، دست به تحصن زدند. از جمله مطالبات دانشجویان، یکی هم بهبود اوضاع سلف سرویس دانشگاه است.

اعتراض پرسنل مخابرات مشهد

پرسنل واحد ۱۱۸ خراسان که از ماه تا ۲ سال در واحد اطلاعات تلفن مشهد مشغول به کار هستند، نسبت به تضيیع حقوق خود در طی این مدت توسط یک شرکت پیمانکاری بنام "مشهد سپندآسا" اعتراض کردند. آنان در یک یادداشت اعتراضی در زمینه ضایع شدن حقوق خود توسط شرکت یادشده از جمله چنین نوشته اند "بعنوان نمونه براساس قرارداد فیما بین شرکت با اداره کل مخابرات حقوق پایه یک اپراتور ۲۸ هزار تومان در ماه تعیین شده که این رقم هم اکنون به ۱۸ هزار تومان کاهش یافته است و اعتراض های صورت گرفته به مسئولان اداره کل کار و شرکت مخابرات مشهد نیز به جایی نرسیده است" آنان در نامه خود همچنین نسبت به اخراج ۱۸ نفر از همکاران خود و نیز نسبت به فشارها و محدودیت های جدید این شرکت اعتراض کرده اند و در نامه خود به این موضوع اشاره کرده اند که "هرکارمندی که به تضيیع حق و حقوق خود اعتراض نماید، اغتشاش گر معرفی می شود!"

چند خبر کوتاه

طبق بخشنامه شهرداری تهران، برای معاونین شهرداری مرکز، ماهیانه مبلغ ۲۰۰ هزار تومان و برای مدیران و شهرداران مناطق بیست گانه، ماهانه ۱۵۰ هزار تومان بعنوان حق مسکن در نظر گرفته شده است!

فرماندارا ایرانشهر، نرخ رشد بیکاری در این شهرستان را براساس آمار سازمان برنامه و بودجه ۱۷/۵ درصد اعلام کرد اما او اضافه

توقف قطارها در مجارستان

با به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدها در سال ۲۰۰۰، هزاران نفر از کارگران راه آهن دولتی مجارستان روز ۲۰ دسامبر دست به یک اعتصاب ۹ ساعته زدند. در این روز حرکت قطارهای مسافربری داخلی و باری و قطار های بین المللی بکلی متوقف شد. در حالی که کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۴ درصد هستند، مقامات دولت اعلام نمودند که دستمزدها تنها به میزان ۶ درصد افزایش خواهد یافت.

روز ۲۲ دسامبر نیز بیش از ۱۰ هزار نفر از معدنچیان مجارستان در اعتراض به طرح دولت این کشور تحت عنوان "بازسازی ساختار معادن" دست از کار کشیدند. کارگران اعلام نمودند که این طرح چیز دیگری جز نقشه دولت مبنی بر اخراج بیش از ۲ هزار نفر کارگر معدن به بهانه افزایش بارآوری نیست. بر اساس این طرح، چندین معدن ذغال سنگ در مناطق Oroszlany و Tatabanya تا سال ۲۰۰۴ تعطیل شده و به این ترتیب بیش از ۲۶ هزار نفر معدنچی کار خود را از دست داده و به صفوف بیکاران این کشور پرتاب خواهند شد. کارگران اعلام نمودند که این طرحها و تشبیهات دولت تنها در راستای تلاشهای دولت سرمایه داران این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا قابل درک است. بر اساس شروط اتحادیه اروپا، کشورهای عضو این اتحادیه باید صنایع انرژی خود را به بخش خصوصی واگذار نموده و به این ترتیب حسن نیت خود را به سرمایه داران غربی نشان دهند.

۹ کارگر مهاجر در یونان

توسط نیروهای دست راستی

کشته و زخمی شدند

طی روزهای ۱۹ الی ۲۱ اکتبر، ۹ کارگر مهاجر مصری، پاکستانی، بنگلادشی و غنائی مورد حمله نیروهای وابسته به یک گروه دست راستی قرار گرفتند. مهاجمین که در حوالی محل کار کارگران، کمین کرده بودند، با اسلحه به آنها حمله ور شدند. در نتیجه این حملات و حشیا نه ۲ کارگر به قتل رسیدند و ۷ تن دیگر مجروح شدند.

پلیس و دولت یونان در ابتدا سعی در کتمان انگیزه راسیستی این حملات داشتند و این موارد را "درگیریهای شخصی" نامیدند. اما با پیگیری گروه های مدافع کارگران مهاجر و تلاش بخش هایی از اتحادیه های کارگری، معلوم شد که مهاجمین که همگی ننگهبان موسسات دولتی و رادیو تلویزیون یونان بوده اند، عضو یک گروه دست راستی اند که بنا به اعتراف دستگیر شدگان خواهان "تصفیه یونان از خارجیان" هستند.

بدنبال افشای این مطلب، به دعوت اتحادیه های کارگری، تظاهراتی با شرکت بیش از ۵ هزار تن از کارگران در مقابل پارلمان این کشور برگزار شد. تظاهرکنندگان خواهان مجازات دستگیر شدگان و لغو کلیه قوانین ضد خارجی در این کشور شدند.

های کارگران راه آهن دولتی رومانی به بن بست رسید. در حالی که کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۷۰٪ و پرداخت پاداش سال نو هستند، مقامات دولت اعلام نمودند که تنها ۲۰ درصد به دستمزدهای کارگران افزوده شده و هیچ خبری هم از پاداش سال نو نخواهد بود. متعاقب این امر، مقامات دولت از کارگران خواستند که از برپائی مجدد اعتصاب خودداری کنند. برغم این تهدیدات آشکار، کارگران راه آهن مجدداً روز ۱۱ دسامبر کارها را تعطیل کرده و برخواست خود پافشاری نمودند. سرسختی و مقاومت یکپارچه کارگران، مقامات دولت را وادار نمود که شمشیر را از رو بسته و برای متوقف ساختن مبارزه کارگران، به مقامات قضائی متوسل شوند. به این ترتیب روز ۱۴ دسامبر، دادگاه کار رومانی اعتصاب کارگران راه آهن را به بهانه "حفاظت بخشهای حیاتی اقتصاد" غیرقانونی اعلام نموده و برپائی هرگونه اعتصابی را تا ۴۵ روز از سوی کارگران مقابله آشکار با دولت عنوان نمود و اعتصابیون را موظف نمود که هرچه سریعتر به سر کارهای خود باز گردند. هرچند روز ۱۵ دسامبر کارگران به زور به سرکارهای خود باز گشتند، اما هم زمان اعلام نمودند که این پایان مبارزه نبوده و اعتراضات خود را به اشکال مختلف تا تحقق خواسته های خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب رانندگان کامیون در هند

در اعتراض به افزایش قیمت بنزین، هزاران تن از رانندگان کامیون در هند، از اوائل ماه نوامبر دست از کار کشیدند. اعتصابیون ضمن برپائی تظاهرات و تجمع در مقابل پارلمان این کشور خواهان کاهش بهای سوخت شدند. به علت مخالفت نخست وزیر هند با خواست اعتصابیون، رانندگان به اعتصاب خود همچنان ادامه میدهند.

اعتصاب کارگران

صنایع نساجی در نیوجرسی

در اواخر نوامبر و به دنبال اخراج ۳ کارگری که علیه شرایط بهداشتی و ایمنی در محیط کار دست به افشاکاری زده بودند، صدها تن از کارگران صنایع نساجی عضو اتحادیه Needlehades دست از کار کشیدند.



تحصن کارگران در کره جنوبی

روز ۲ دسامبر، صدها نفر از کارگران کره جنوبی در پاسخ به فراخوان "کنفدراسیون اتحادیه های کارگری" KCTU، در مرکز شهر سئول دست به یک تحصن زدند. کارگران اعلام نمودند که تحصن خود را تا روز ۱۸ دسامبر ادامه می دهند. آنها خواسته های خود را به این شرح اعلام نمودند:

توقف فوری خصوصی سازی نیروگاه های تولید برق؛

توقف فوری واگذاری صدها بیمارستان دولتی به سرمایه داران خصوصی؛

لغو قانون مجازات درمورد فعالین کارگری.

اما روز ۷ دسامبر، تحصن کارگران مورد یورش نیروهای پلیس این کشور قرار گرفت. در این حمله و حشیا نه دهها نفر زخمی شده و تعداد زیادی از رهبران این حرکت بازداشت شدند. این اقدام سرکوبگرانه با خشم و انزجار و اعتراض هزاران نفر از کارگران سراسر کره جنوبی روبرو شد. در همین رابطه هزاران کارگر در پاسخ به فراخوان "کنفدراسیون اتحادیه های کارگری" KCTU، در روز ۱۱ دسامبر دست از کار کشیدند و در تظاهرات وسیعی که در شهر سئول برگزار شد، شرکت نمودند.

اعتراضات کارگری در جمهوری چک

روز ۲ دسامبر، ۱۸۰ نفر از معدنچیان معدن ذغال سنگ کوه نور واقع در شهر Most در شمال جمهوری چک، اعتصاب ۴۲ ساعته خود را پایان داده و به سر کارهای خود باز گشتند. این اعتصاب در اعتراض به تصمیم خود سرانه صاحبان این معدن مبنی بر تعطیل آن به بهانه "زیان دهی" انجام گرفت. در پایان این اعتصاب مقامات دولت و نمایندگان کارگران مذاکرات خود با صاحبان این معدن را از سر گرفتند. از دیگر مشکلات هزاران کارگر در جمهوری چک یکی هم عدم پرداخت به موقع دستمزدها است. در همین رابطه، روز ۲۱ دسامبر صدها نفر از کارگران چک دست از کار کشیدند و در مقابل پارلمان این کشور تجمع نمودند. در این روز کارگران خواستار دخالت دولت در هنگام ورشکستگی موسسات تولیدی شدند. اکنون مدت هاست که صاحبان موسسات تولیدی به بهانه ورشکستگی از پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران خودداری کرده و سودهای هنگفتی به جیب می زنند. به گفته اتحادیه های کارگری قریب به ۱۰۰ نفر کارگر بیش از ۶ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند.

ادامه اعتصاب در رومانی

روز ۸ دسامبر مذاکرات مربوط به تعیین دستمزد

اطلاعیه

کارگران و زحمتکشان!
احزاب، سازمانها، نیروهای مترقی و
تشکل های کارگری!

طبق اخبار منتشره امروز دوشنبه ۲۹ آذر نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی به تجمع بزرگ اعتراضی کارگران در مقابل سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار در تهران و قم حمله کردند.

تجمع بزرگ و سراسری کارگران در اعتراض به اخراج های دسته جمعی و قطع مقرری بیمه های اجتماعی قرار بود در روز پانزدهم آذر برگزار گردد اما دولت خاتمی با اعلام ممنوعیت اعتصاب و تظاهرات کارگران، از این تجمع اعتراضی آنها جلوگیری کرده بود. امروز کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی که در آنها خواستار توقف اخراجها و پرداخت مقرری بیمه های اجتماعی بودند در مقابل وزارت کار و سازمان بیمه های اجتماعی گردآمدند، اما دولت بجای پاسخگویی به خواست های برحق کارگران، با اعزام نیروی مسلح، کارگران را محاصره و به ضرب و شتم آنان پرداخت. از نتیجه این اقدام سرکوبگرانه هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست. ما ضمن محکوم کردن حمله نیروهای سرکوبگر رژیم به تجمع اعتراضی کارگران، از کلیه خواست های برحق آنها دفاع کرده و از همه سازمانها، احزاب، تشکل های کارگری در ایران و سراسر جهان می خواهیم تا برای آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان و تحقق خواست های کارگران ایران از هیچ کوششی دریغ نورزند.

پیروز باد مبارزات متحد کارگران ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران
۲۹ آذر ماه ۱۳۷۸

کمیته دفاع مشترک از مبارزات کارگران ایران متشکل است از:

سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - حزب کمونیست ایران

کارگران نساجی طبرستان
یک بار دیگر به
راهپیمائی و تظاهرات متوسل شد

یکی از روزنامه های رژیم خبر داد که کارگران کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و مزایای معوقه، دست به راهپیمائی و تظاهرات زدند و با اجتماع در برابر در ورودی کارخانه، خواهان تحقق مطالبات خود شدند در چندین ماه گذشته، کارگران نساجی طبرستان به دفعات دست به اعتصاب، تحصن، راهپیمائی و تظاهرات زده اند. در اسفند ماه سال گذشته، سرمایه داران با اخراج ۲۴۰۰ تن از کارگران، کارخانه را تعطیل نمودند. کارگران در برابر این اقدامات سرمایه داران اعتراض گسترده ای را سازمان دادند و در فروردین ماه امسال عموم کارگران نساجی طبرستان با راهپیمائی و تظاهرات، کارفرمایان را وادار نمودند که اخراج ها را متوقف سازند و حقوق و مزایای معوقه کارگران را بپردازند. با این وجود سرمایه داران به وعده های خود عمل نکردند و برخی از مطالبات کارگران متحقق نشد. لذا کارگران در چندین مورد دیگر با راهپیمائی و تظاهرات دست به اعتراض زدند. سرانجام قرار شد که بانک ملی به عنوان سهام دار عمده این کارخانه ۸۰ درصد و سازمان تامین اجتماعی ۲۰ درصد باقیمانده دستمزدهای معوقه کارگران را بپردازند. اما آنها بازهم به این توافق عمل نکردند و اعتراض اخیر کارگران نساجی طبرستان نیز به عدم اجرای این توافقات است.

سرمایه داران ودولت آنها که سالها شیره جان کارگران را مکیده و سودهای هنگفتی به جیب زده اند، اکنون مدتی است که در کارخانه ها و مؤسسات مختلف به بهانه های واهی از پرداخت حقوق و مزایای کارگران سرباز میزنند و مدام پرداخت دستمزدها را به تعویق می اندازند. این در حالیست که کارگران آه در بساط ندارند و قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند. لذا در چندین ماه گذشته مکرر شاهد اعتراضات گسترده کارگری برای پرداخت حقوق و مزایای معوقه بوده ایم. کارگران با مبارزه و اعتراض خود در بسیاری از موارد سرمایه داران و دولت آنها را وادار به پذیرش مطالبات خود و پرداخت حقوق و مزایای معوقه کرده اند. کارگران نساجی طبرستان نیز مصمم اند تا تحقق کامل مطالبات خود به مبارزه و اعتراض ادامه دهند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد حکومت شورائی
مرگ بر نظام سرمایه داری
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۸/۱۰/۶

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

اخباری از ایران

کرد که نرخ واقعی رشد بیکاری در این منطقه ۲۵ درصد است.

کارگر جوانی که مشغول حفرچاه بود، در اثر پوسیدگی طناب به عمق ۷۰ متری چاهی واقع در مجیدیه شمالی سقوط کرد و جان خود را از دست داد. این کارگر که نیک محمد تاجیک نام داشت، تبعه افغانستان و ۲۱ ساله بود.

رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان، شرکت های تحت پوشش این بنیاد را ۳۴۷ واحد قید کرد و گفت تلاش داریم که آمار شرکتهای تحت پوشش را به کمتر از یکصد واحد کاهش دهیم! وی همچنین آماری در مورد جانبازان یعنی همان معلولین جنگی و وضعیت مسکن آنها ارائه داد و گفت از ۱۲۰ هزار جانباز، ۳۶ هزار نفر مشکل مسکن ندارند، ۵۲ هزارتن در حال ساخت مسکن هستند و ۳۲ هزار نفر فاقد زمین و مسکن اند!

حقوق کارکنان کتابخانه عمومی
استان قم پرداخت نمی شود

کارکنان کتابخانه عمومی استان قم می گویند که بیش از دو ماه است حقوق آنها پرداخت نشده است. کارکنان کتابخانه نسبت به تعویق افتادن حقوق شان معترض هستند و خواهان پرداخت هرچه سریعتر حقوق معوقه خود هستند. یکی از کارکنان می گوید حقوق ماهانه ما ۲۲ هزار تومان است که کفاف زندگی ما را نمی دهد و همین حقوق ناچیز نیز پرداخت نمی شود.

افزایش قیمت ها

بنابه گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در آبان ماه امسال نسبت به ماه مشابه آن در سال قبل ۲۶/۶ درصد افزایش داشت. این گزارش اضافه کرده است که بالاترین شاخص قیمت گوشت قرمز، ماهی شمال، لبنیات، تخم مرغ، حبوبات، میوه ها و سبزی های تازه، انواع برنج داخلی، آرد گندم، روده سلامبو، آهن و فولاد، پروفیل آلومینیم، انواع لامپ و کلید و پریز و... بیشترین سهم را در ترقی شاخص بهای عمده فروشی کالاها داشته است.

سه استفاده ۲۱ میلیارد
تومانی در شرکت ارج

« انتخابات » مجلس و « چپ » هائی که از انقلاب روی برمی تابد!

این است که خاتمی تافته جدا بافته ای از دیگر سران رژیم نیست. این خاتمی و جریان خاتمی نیست که موی دماغ خامنه ای و جناح اوست، اساس درجای دیگری است. مسئله این است که امروز توده های مردم ایران خواهان یک تحول جدی و بنیادی اند و می خواهند از وضعیت بغایت وخامت بار سیاسی و اقتصادی موجود رها شوند. مردم خواهان پایان دادن به وضع نکبت بار موجودند. مردم دیگر حکومت اسلامی را نمی خواهند و خطر واقعی را خامنه ای در اینجا می بیند و البته که خاتمی هم!

سوم و نتیجه گیری:

اکنون دیگر بایستی این مسئله روشن شده باشد که تاکتیک شرکت در انتخابات مجلس ششم جمهوری اسلامی و حمایت از یک جناح حکومتی، تاکتیکی است مطلقاً! انحلال طلبانه که جز رواج توهم نسبت به مرتجعین و نظام حاکم، نتیجه دیگری در بر ندارد. سواي جناح های حکومتی و اپوزیسیون بورژوا " لیبرال"، باید گفت که این تاکتیک زینده کسانی است که آزادی و توسعه سیاسی را نیز از همان دید و دریچه سران حکومت اسلامی می نگرند و هم اکنون ضمن توصیه به بازی کردن در بساطی که بساطی نیست! استفاده از راههای انقلابی و در اساس انقلاب را که یگانه راه واقعی تحولات اساسی و تعالی جامعه است، آشکارا مدموم می شمارند و البته که با یک تاخیر فاز و تزلزل چندین ساله و طولانی، تازه قدم درجای پای اکثریت و حزب توده می گذارند و خلاصه به فعالیت محدود و تدریجی و گام به گام در چار چوب همین نظام و قانون اساسی حکومت اسلامی دل خوش کرده اند. این تاکتیک، تاکتیک فراریان از اردوی انقلاب است و فراریان از اردوی انقلاب وقتی که قرار باشد به حمایت از مرتجعین برخیزند، تجربه هم نشان داده است که بالاخره در میان آنان جناحها و افراد "ضد امپریالیست" و "میانه رو" و "اصلاح طلب" و یا طرفدار جامعه مدنی و توسعه سیاسی و "همسو" با مردم و حتی "رادیکال" نیز کشف می کنند. در این راه اگر لازم آید، نه فقط جبهه دوم خرداد، مدافع آزادیهای سیاسی و آخوند خاتمی نیز تلویحاً نماینده جنبش آزادیخواهان مردم قلمداد می شود، که حتی کاشف بعمل می آید که در شخص رهبر و ولی فقیه فعلی هم "زمینه هماهنگی با خاتمی" در زمینه های فوق وجود دارد! کسیکه به انقلاب پشت میکند، بهر رو باید پشت خود را به جانی تکیه دهد. کسیکه این حکم را صادر میکند که مردم آمادگی حاکمیت بر سرنوشته خود را ندارند و به این بهانه فکر سرنگونی استبداد و رژیم حاکم را نیز از سر بیرون میکند و فی الواقع حکم بر ابقای نظام حاکم می دهد، پس باید توجیهاتی نیز برای آن دست و پا کند!

بگذار میانه بازان و روشنفکران متزلزل و اپورتونیست که از انقلاب و پیروزی قطعی کارگران میترسند از خوف انقلاب و از خوف راه مستقیم، راههای غیر مستقیم، پرپیچ و خم و راه صلح و مصالحه را اختراع کنند و با شرکت در بازی های مسخره رژیم، خود را مضحکه کنند. تاکتیک های کمونیست ها اما، معطوف به تقویت انرژی انقلابی توده هاست. این تاکتیک می بایستی متضمن ارتقا آگاهی توده های مردم زحمتکش باشد و عزم و آمادگی انقلابی طبقه کارگر را تقویت کند و بالاخره سرراست ترین راه رسیدن به پیروزی کامل و قطعی کارگران و زحمتکشان را نشان بدهد. کمونیست ها و چپ های واقعی بدون کمترین تردیدی این انتخابات نمایشی را بایستی تحریم کنند و پیگیرانه از انقلاب و سرنگونی رژیم دفاع کنند. چرا که فقط از طریق یک انقلاب توده ای و سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی است که کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و عموم توده های مردم می توانند از شر ارتجاع و استبداد موجود خود را خلاص کنند و به وسیع ترین آزادیهای سیاسی دست پیدا کنند. چرا که "انقلاب لکومونیو تاریخ است. انقلاب جشن ستمکشان و استثمارشوندگان است. توده مردم هیچگاه نمیتواند مانند زمان انقلاب آفریننده فعال نظامی اجتماعی نوین باشد. در این مواقع چنانچه بخواهیم با معیار محدودی که خرده بورژواها در مورد ترقیات بطنی و تدریجی بکار می برند بسنجیم، مردم قادر به اعجازند" (لنین - دو تاکتیک سوسیال دموکراسی)

خاتمی به روندی که جناح مقابل در پیش گرفته است سخن می گویند. "صبح امروز" در همین زمینه از جمله چنین نوشته است، امروز دیگر مسئله این نیست که روند پیگیری جریان قتل های سیاسی با "تائید" و با "سکوت" خاتمی همراه باشد، بلکه مسئله "تسلیم شدن او در برابر روند حوادث مورد نظر است"

حادثه کوی دانشگاه تهران و رویدادهای بعدی آن نیز صحت همین روند را تائید میکند. آقای خاتمی بعد از آنکه با صدور فرمان حمله به دانش جویان و اعتراض کنندگان، "امنیت" نظام اسلامی را تامین کرد و مواضعش صد در صد مورد تائید و حمایت خامنه ای قرار گرفت، در جریان پیگردها و دستگیری های بعدی جوانان و دانشجویان نیز عملاً مواضع جناح مقابل را پذیرفت و حرف های توخالی اومبنی برتعییب و مجازات مسببین حادثه کوی دانشگاه نیز به بوته فراموشی سپرده شد. در این زمینه حداکثر کاری که خاتمی کرد این بود که بگوید از روند پیگیری پرونده کوی دانشگاه راضی نیست، همین!

روشن است که در این زمینه ها، این در واقع جناح رقیب خاتمی است که خاتمی را عقب نشانده و دست او را در پوست گردو گذاشته است. این مطلب در مورد بسیاری از مباحث و مسائل از قبیل قانونیت بخشیدن مکرر نظارت استصوابی شورای نگهبان، قانون مطبوعات، مسائل مربوط به تعطیل روزنامه ها و نشریات و محاکمه مسئولین آن از جمله موسوی خوئینی ها و عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت، تماماً" موید تهاجم جناح خامنه ای است. اظهارات شخص خامنه ای چه در دفاع از دادگاه ویژه روحانیت و چه در تائید نظارت استصوابی شورای نگهبان و امثال آن، تماماً" دال بر همین حقیقت و مبین حمایت او از جناح بازار و رسالتی هاست. این در حالیست که هنوز هم اظهارات شدید الحن رئیس سابق قوه قضائیه و مصباح یزدی و امثال آنها به وفور از نمازهای جمعه پخش می شود و در سراسر کشور انتشار می یابد.

در مورد این پیشگویی نویسنده اتحاد کارگری نگهبان نخواهد توانست کاندیداهای طرفدار خاتمی را حذف کند نیز باید گفت این موضوع را آینده بهتر نشان خواهد داد اما شکی نیست که ارگان شورای نگهبان طبق روال و عملکرد تاکنونی اش تا آنجا که بتواند در قضیه "انتخابات" به نفع جناح خامنه ای اعمال نفوذ خواهد کرد و به حذف کاندیداهای جناح مقابل و "غیرخودیها" خواهد پرداخت. عجالتاً" هیئت های اجرائی قبل از آنکه کار به اعمال نفوذ شورای نگهبان و هیئتهای نظارت آن رسیده باشد، شماری از کاندیداهای این جناح را حذف کرده است و نوبت شورای نگهبان هم میرسد. بنابراین تا آنجا که "آشکار" است، عجالتاً" تصویری از عقب نشینی جناح خاتمی است در برابر جناح خامنه ای و نه برعکس و موضعگیری خامنه ای در قضیه کنکور در وقت ظهور را نیز حداکثر میتوان به توقف موقت حملات و پیشرویهای این جناح تعبیر کرد و نه عقب نشینی آن!

و بالاخره داستان برچیده نشدن اردوی دولت توسط خامنه ای هم، بر خلاف آنچه که نویسنده ادعا می کند، ربطی به عقب نشینی خامنه ای ندارد. "اولاً" جناح های حکومتی - از جمله جناح خامنه ای - میدانند که بدون کمک یکدیگر نمی توانند همین وضعیت بی ثبات فعلی را هم ادامه دهند. از همین روست که آنها بحث خودی و غیرخودی را پیش کشیده اند تا "خودی ها" که بر سر اسلام و حکومت اسلامی و آرمانهای خمینی و رهبری خامنه ای توافق دارند، ایضاً" درسرکوب و محدودیت آزادی ها و تداوم نظام استثمارگری موجود دست در دست هم دارند، متفقاً" بساط "غیرخودیها" را برچینند! ثانیاً" توازن قوا و مجموعه شرایط جامعه به نحوی نیست که خامنه ای بتواند به سادگی اردوی دولت را برچیند! این قضیه قبل از هر چیز موجب ایجاد تنش بیشتر در جامعه می شود و کل نظام را به خطر می اندازد و ثالثاً" معلوم نیست که چرا خامنه ای باید عذر شخص خاتمی را بخواهد و حکم عدم کفایت وی را از مجلس بگذراند؟ مگر خاتمی روزی صد بار از ولایت فقیه و رهبری خامنه ای تعریف و تمجید نمی کند؟ مگر او نمی خواهد قانون اساسی همین رژیم ولایت فقیه را مو به مو پیاده کند؟ مگر او پای بندی سفت و سخت خود را به موازین شرعی و اسلامی و حکومت دینی اعلام نکرده است؟ چرا خامنه ای باید با گذراندن عدم کفایت او از مجلس برای خود و نظامش در دسر ایجاد کند؟ واقعیت

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

کسی جوابگو نیست

ورژیم‌شان را از مخصصه نجات دهند، اما مسئله قتل‌های سیاسی وزارت اطلاعات، به چنان مسئله‌ای در جامعه تبدیل شده‌است که به سادگی نمی‌تواند آنرا مختومه اعلام کند.

سالهاست که دستگاه امنیتی و جاسوسی حکومت اسلامی موسوم به وزارت اطلاعات به کشتار و سرکوب مردم ایران ادامه میدهد. در این سالهای سیاه دهها هزار تن از مخالفین حکومت اسلامی توسط این دستگاه به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند و لاقل صدها تن بی‌سروصدا و بشکلی مرموز به قتل رسیده‌اند.

ماجرای قتل‌های پی‌درپی سال گذشته، در شرایطی که عموم مردم انگشت اتهام را به سوی وزارت اطلاعات نشانده گرفتند و تضادهای درونی رژیم نیز در اوج خود بود، سران رژیم راناکزیر ساخت که به این کشتار مخالفین توسط وزارت اطلاعات اعتراف کنند. معهذاً آنها کوشیدند برای تیره رژیم و وزارت اطلاعات آنرا اقدامی خودسرانه از سوی گروه کوچکی از مامورین وزارت اطلاعات معرفی نمایند و در عین حال آنرا محدود به دستگیری سه، چهار نفر نمایند. آنها کمی بعد ماجرای خودکشی یکی از مهره‌های اصلی این پرونده را سازمان دادند تا بدین طریق سرخنها را قطع کنند. اما فشار افکار عمومی این امکان را به رژیم نداد و قضیه شکل پیچیده‌تری بخود گرفت. کم‌کم حتی در برخی از روزنامه‌ها این مسئله مطرح شد که سعید امامی از چه کسی دستور می‌گرفته است. مردم آشکارا خواهان معرفی آمرین قتل‌ها شدند. قضیه اکنون تا آنجا پیش رفته است که همه خواهان دستگیری وزیر اطلاعات پیشین و رئیس سعید امامی یعنی فلاحیان شده‌اند. او نیز عنوان نمود که اگر قرار است پاسخ داده شود، من با رئیس پاسخ خواهیم داد. منظور او این بود که رفسنجانی در جریان تبهکاری‌های وزارت اطلاعات بوده و او باید جوابگو باشد. در همین حال برادر محمد خاتمی و از سران جبهه مشارکت عنوان نمود که قضیه قتل‌های زنجیره‌ای محدود به چهار نفر نیست و حداقل ۸۶ نفر در چند سال گذشته توسط ماموران وزارت اطلاعات کشته شده‌اند. بنابراین روشن است، پرونده‌ای که تا بدان حد بیخ پیدا کرده که پای سران حکومت اسلامی مستقیماً به میان کشیده شده است، به سادگی نمیتواند حل شود و یا بر آن سرپوش گذارده شود. از همین روست که هریک از جناح‌ها و ارگان‌های رژیم میکوشند، مسئولیت این پرونده را برعهده دیگری بگذارند و از ماجرای این پرونده اظهار بی‌اطلاعی کنند.

آقای رئیس جمهور

حرفی برای گفتن نداشت

دفتر تحکیم وحدت، تشکل دانشجویی وابسته به دولت، از رئیس جمهور حکومت اسلامی دعوت نمود که به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجویان در مراسمی که بدین منظور برگزار میگردد شرکت

نماید و به سئوالات دانشجویان در مورد مسائل مختلف کشور پاسخ دهد. تحکیم وحدتی‌ها از سازماندهی این مراسم و دعوت از خاتمی. هدف سیاسی مشخصی را دنبال می‌کردند. پس از آن که در جریان جنبش دانشجویی تیرماه، خاتمی فرمان سرکوب قهری این جنبش را صادر نمود، توهماتی که در میان گروهی از دانشجویان نسبت به این مرتجع وجود داشت، فرو ریخت و تقریباً همه فهمیدند که او نیز مرتجعی از قماش دیگر سران حکومت اسلامی است و درسروکوبگری و ارتجاع دست کمی از دیگران ندارد. حالا دفتر تحکیم وحدت می‌خواست با سازماندهی این مراسم، جناب رئیس جمهور بار دیگر دست به عوامفریبی بزند و با حرف‌های "قشنگ" در مورد "آزادی" "اصلاحات" "جامعه مدنی" "دانشجویان عزیز" و "ملت شریف" زمینه را برای توهم پراکنی‌های جدید دفتر تحکیم وحدت فراهم سازد. اما گویا نفهمیده بودند که دوران این حرف‌ها دیگر سپری شده است و نه تنها گوش شنوایی در میان مردم نسبت به این فرمایشات آقای خاتمی وجود ندارد، بلکه خود وی نیز حالا دیگر با زبان دیگری سخن می‌گوید. لذا شرکت آقای خاتمی در مراسمی که بدین منظور در ۲۱ آذرماه در دانشگاه علم و صنعت برگزار گردید به جایی که به ابزار تبلیغاتی و توهم پراکنی دفتر تحکیم وحدت تبدیل شود، مایه شرمساری آنها شد.

خاتمی در سخن رانی خود گفت "دینی که ما از آن سخن می‌گوئیم دینی است که حقوق و حاکمیت مردم را به رسمیت می‌شناسد و حاصل آن جمهوری اسلامی است که در قانون اساسی آن متبلور شده است." و ادامه داد که "کدام انقلاب در دنیا مانند انقلاب اسلامی ایران توانسته است نهادهای مدنی و دمکراتیک خود را این گونه تقویت کند؟"

آقای خاتمی که تا چندی پیش از استبداد سخن می‌گفت و از آزادی مردم نیاز به ایجاد جامعه مدنی دم میزد، حالا که دوران توهم پراکنی به پایان رسیده تعارفات را کنار میگذارد و بی‌پرده و صریح جمهوری اسلامی را عین آزادی معرفی می‌نماید. او می‌گوید دینی که ما از آن سخن می‌گوئیم حاکمیت مردم را به رسمیت می‌شناسد، و حاصل آن همین جمهوری اسلامی می‌باشد و حاضر است که در قانون اساسی آن متبلور شده است. پس از این قرار همین دین و همین جمهوری اسلامی است که تا به امروز حقوق و حاکمیت مردم را به رسمیت شناخته است!! رژیم می‌گوید که تمام آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مردم را لگد مال کرده است، رژیم می‌گوید که حق حاکمیت مردم را بر سر نوشت خود از آنها سلب نموده و حاکمیت رابه خدا و نمایندگان او بر روی زمین سپرده است، از دیدگاه خاتمی دمکرات‌ترین رژیم معرفی میشود. او به تعریف و تمجید از قانون اساسی حکومتی می‌پردازد که در بند بند آن استبداد موج میزند. در بند بند آن حقوق مردم و آزادی‌های آنها لگد مال شده است. و در بند بند آن حق حاکمیت مردم بر سر نوشت‌شان از آنها سلب شده است. خاتمی پارا از این نیز فراتر مینهد و ادعا میکند که در هیچ کجای دنیا هم نمی‌توان یک جامعه مدنی کامل و شسته و رفته همانند "جامعه مدنی" موجود در ایران پیدا کرد. هیچ انقلابی هم در دنیا نتوانسته است نهادهای مدنی و دمکراتیک خود را "مانند انقلاب اسلامی ایران"

"تقویت کند" او در پاسخ سئوالات برخی از دانشجویان در مورد سرکوب جنبش دانشجویی، سرکوب و تعطیل مطبوعات، دادگاه و پژوهش‌روانیت، محاکمات دادگاه‌های رژیم، جزیرت و پلاگوئی، پناه بردن به قانون اساسی و تأیید آنها چیزی تحویل دانشجویان نداد. سر انجام نیز از دانشجویان خواست که در برابر ناملامت سکوت کنند و گفت "تقدیر خود را از همه دانشجویان بخاطر سکوتی که در سال جاری از خود نشان دادند اعلام میکنم" و ادامه داد که "این راه باید ادامه یابد." البته دانشجویان در همان جلسه، قوانین ارتجاعی رژیم را به باد انتقاد گرفتند و با شعار علیه برخی از سران رژیم و ارگان‌های آن پاسخ دندان شکنی به وی دادند و با سؤال پیچ کردن وی اراجیفش را به باد تمسخر گرفتند. این جلسه منجر به چنان افتضاحی برای خاتمی و دفتر تحکیم وحدت گردید، که فردای آن، روزنامه‌های طرفدار خاتمی نیز ناراضیاتی خود را از این سخنرانی و پاسخ به سئوالات دانشجویان ابراز داشتند. یکی از این روزنامه‌ها کوشید که پرت و پلاگوئی خاتمی را به حساب جناح رقیب اش بگذارد و نوشت که آنها نمی‌گذارند وی حرف بزند و دانشجویان را بسوی خود جلب نماید. این ادعا، توجیه گری روزنامه‌های طرفدار خاتمی است. حرف‌های آقای خاتمی تمام شده است و او دیگر حرفی برای گفتن جز این ندارد که با تمام قوا از جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی دفاع کند.

دو دادگاه در یک زمان

در یک رژیم خود کامه نظیر جمهوری اسلامی، جایی که دیکتاتوری عریان و سرکوب آشکار حاکم است و ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی مردم لگد مال شده است، دستگاه قضائی مظهر تام و تمام بی‌عدالتی، تبعیض و سرکوب به عریانترین و خشن‌ترین شکل آن است. این همان دستگاهی است که تا کنون دهها هزار تن از مردم ایران را صرفاً بخاطر مخالفت با جمهوری اسلامی به اعدام یا حبس‌های طولانی مدت محکوم کرده است. در اواخر آذرماه امسال نیز مردم ایران شاهد یکی از رسواترین احکام این دستگاه زور و ستمگری بودند. یکی از شعب دادگاه‌های تهران در یک محاکمه فرمایشی چند نوجوان کم سن و سال را بدون این که از حق داشتن وکیل برخوردار باشند، در یک نشست و برخاست چند ساعته محکوم نمود. اتهام این نوجوانان که سن آنها بین ۱۳ تا ۱۷ سال بود، قتل فرمانده پایگاه بسیج یک مسجد اعلام شده بود. ماجرا از این قرار بود که دوتن از مزدوران بسیجی یک جوان ۱۳ ساله را به این بهانه که روزه خواری کرده است، در خیابان کتک می‌زنند. کمی بعد این نوجوان با چند تن از هم سن و سال‌های خود به سراغ بسیجی‌ها می‌آید و طی زدوخوردی که میان آنها درمیگیرد یکی از مزدوران بسیجی با ضربه چاقو به قتل می‌رسد. در پی این ماجرا

دو دادگاه در یک زمان

خامنه‌ی شخصاً دستور رسیدگی سریع به پرونده و مجازات متهمین را صادر نمود. در مدتی کمتر از یک هفته دادگاهی تشکیل می‌شود، بدون این که حتی به والدین این جوانان کم سن و سال اجازه داده شود که در دادگاه حضور یابند و یا برای فرزندان خود وکیل بگیرند. در همان جلسه نخست دادگاه یکی از متهمین در حالی که تنها ۱۷ سال داشت به‌اعدام محکوم میشود و نوجوان ۱۳ ساله‌رانیز به ۱۵ سال حبس و ضربات شلاق محکوم میکنند و محاکمه ۲ تن دیگر را تا دستگیری فرد چهارم به تعویق می‌اندازند. چند روز بعد دیوانعالی کشور نیز احکام را تأیید میکند.

این وحشی‌گری رژیم و دستگاه قضائی آن که حکم اعدام یک نوجوان ۱۷ ساله را حتی برخلاف مقررات و قوانین ارتجاعی خود صادر می‌کند، حاکی از مقاومت و اعتراض مردم علیه ارگانهای سرکوب‌است. این واقعیت بر همگان روشن است که فشارها و ستم‌های ارگانهای متعدد سرکوب و جاسوسی رژیم جان مردم را به لب رسانده است. دسته جات متعدد سرکوب به انحای مختلف، مردم را در خیابانها، محلات، محل کار و حتی در خانه خود تحت فشار و سرکوب قرار می‌دهند. این اقدامات سرکوبگرانه رژیم، انزجار و نفرت عمیقی را در میان مردم نسبت به دستگاه‌های سرکوب برانگیخته است. اخیراً در چند مورد اقدامات سرکوبگرانه نیروهای انتظامی و بسیج، واکنش بحق مردم را در پی داشته و طی چند ماه اخیر چند بسیجی به دست مردم به قتل رسیده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی که با این موج فزاینده مقاومت و مقابله مردم روبروست، در این خیال باطل به سر می‌برد که با تشدید سرکوب و اقدامات وحشیانه‌ی نظیر محکوم کردن جوانان کم سن و سال به اعدام، مردم را مرعوب سازد و جلو اقدامات متقابل مردم علیه مزدوران سرکوبگرش را بگیرد. اما این وحشی‌گری‌ها بیش از پیش رژیم را رسوا و مردم را مقاوم‌تر خواهد ساخت. البته کشتن این یا آن مزدور حتی اگر انگیزه سیاسی هم داشته باشد، چیزی را تغییر نخواهد داد. کل رژیم را باید سرنگون کرد و آنهم با یک مبارزه توده‌ای و یک جنبش توده‌ای. با این وجود وقتی که مردم معمولی بسیجیان مزدور را به قتل میرسانند، فقط یک چیز را نشان میدهند، خشم انباشته مردم علیه رژیم. اما درحالی که این دادگاه در جریان بود، در یکی دیگر از شعبات دادگاههای تهران محاکمه دیگری هم در جریان بود که آنهم از زاویه دیگری رسوا کننده رژیم و دستگاه قضائی آن بود. این محاکمه مربوط به یکی دیگر از مزدوران سرکوبگر رژیم به نام اسماعیل افتخاری موسوم به اسمال تیغ زن، رئیس سابق گروه ضربت کمیته منطقه ۱۲ بود که گویا با وزارت اطلاعات نیز همکاری داشته، و با سران رژیم نیز ارتباطاتی داشته است. وی ظاهراً به این علت دستگیر شده است که با استفاده از موقعیت خود دست به سوءاستفاده‌ها

اخباری از ایران

سرمایه‌داران و مدیران دربسیاری از کارخانه‌ها و موسسات، چندین ماه است که دستمزد و مزایای کارگران را پرداخت نمی‌کنند و اغلب مدعی هستند که کارخانه با زیان و ضرر رو بروست. اما سرمایه‌داران و مدیران آنها دروغ می‌گویند، نه تنها سودهای کلان به جیب می‌زنند، بلکه دست به سوء استفاده‌های کلان نیز می‌زنند. اخیراً "روزنامه‌های رژیم اعلام کردند که مدیر عامل و چند عضو هیئت مدیره شرکت ارج به اتهام ۲۱ میلیارد تومان سوء استفاده مالی بازداشت شده‌اند.

شورای عالی امنیت ملی آمار

مربوط به طلاق را محرمانه اعلام کرد

بعثت معضلات عمیق اقتصادی، فقر، گرسنگی، بیکاری و مقررات و قوانین ارتجاعی حکومت اسلامی که زنان را از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم نموده‌اند و ازدواج‌ها اغلب برخلاف خواست و تمایل زنان انجام می‌گیرند، آمار طلاق در ایران سال به سال در ابعاد وسیعی در حال افزایش است. آمارسالانه طلاق در سالهای اخیر چنان رشد نموده که شورای عالی امنیت ملی برای سرپوش گذاردن بر ابعاد طلاق که یکی دیگر از جلوه‌های سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی و خانواده‌ای است که مدافع آن می‌باشد، این آمار را محرمانه اعلام نمود.

طبق اخبار جسته و گریخته‌ای که در روزنامه‌های رژیم انتشار یافته است، در سال ۷۷، ۹۰۰ هزار متقاضی طلاق به دادگاه مراجعه کرده‌اند و از سال ۷۲ تا به امروز هر ساله دوهزار مورد بر میزان طلاق افزوده شده است. در شش ماه نخست امسال میزان طلاق، ۱۸/۵۲ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش یافت.

زندان خصوصی در فردیس کرج

روزنامه‌های رژیم خبر دادند که یک بازداشت‌گاه خصوصی در فردیس کرج کشف شد که چند نفر از افغانه در آن زندانی بودند. مقامات دولتی می‌گویند "این باند گروگانگیر، افغانی‌هایی را که غیر مجاز وارد کشور می‌شدند به محل مورد نظر منتقل کرده و پس از زندانی کردن آنها از خانواده‌ها، اقوام یا افغانی‌های دیگر در قبال آزادی آنها ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان دریافت می‌کردند." مقامات دولتی توضیح ندادند که این گروگان‌گیر هائی که زندان خصوصی دائر کرده بودند وابسته به کدام یک از دستگاههای پلیسی و سرکوب رژیم بوده‌اند. چرا که روشن است تنها ماموران دولتی می‌توانند کسانی را که "غیرمجاز وارد کشور می‌شوند" شناسائی و دستگیر کنند و برای اخاذی آنها را به زندان خصوصی شان منتقل سازند.

و دزدی‌های کلان زده است. درنقل و انتقال آثار عتیقه از ایران به خارج از کشور دست داشته و غیره. امپاس از دستگیری وی، شاکیان متعددی پیدا کرده و پرونده او از این محدوده فراتر رفته است. حالا وی به اتهام سرعت، خروج میراث فرهنگی، کلاه برداری، تجاوز و اعمال خلاف عفت، محاکمه میشود. در دومین جلسه محاکمه وی، دهها نفر که از دستگیری و محاکمه وی مطلع شده بودند، به عنوان شاکی و شاهد در دادگاه حضور یافتند و از اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه وی از جمله بازداشت مردم، زندانی کردن آنها به مدت چندین سال، شکنجه و قتل چند نفر پرده برداشتند. از جمله فردی که مدتی کوتاه پس از انقلاب در این کمیته عضو بوده است، گفت که وی شاهد و ناظر بوده است که اسمال تیغ زن یک راننده نیسان را به قتل رسانده است. او همچنین توضیح داد که این جنایتکار سه دختر را نیز به قتل رسانده است. افراد دیگری که مورد ضرب و شتم، شکنجه و بازداشت قرار گرفته‌اند نیز در این دادگاه شهادت دادند. اما رئیس دادگاه که گویا به عنوان وکیل مدافع اسمال تیغ زن عمل میکرد، در پاسخ به عضو سابق کمیته که در مورد قتل‌های وی سخن گفت، انتساب قتل به وی را بی اساس دانست و همچنین در پاسخ به شاکیانی که از زندانی شدن خود توسط رئیس سابق گروه ضربت کمیته سخن گفتند، چنین عنوان نمود: "افتخاری آنقدر قدرت نداشته که در نظام مقدس جمهوری اسلامی و با وجود رهبر کبیر انقلاب کسی را بیگناه ده سال زندان بیاندازد." ایشان سپس ادعا کردند که جرم او فقط این است که "از عنوان و جایگاه خود در کمیته سوء استفاده کرده است." بعد از این سخنان رئیس دادگاه نوبت به یکی از همکاران اسمال تیغ زن که خود را عضو وزارت اطلاعات معرفی نمود، رسید که ضمن دفاع از عملکرد کمیته، مردم را مقصر اعلام نمود و خطاب به شاکیان گفت: "شما باید خودتان را سرزنش کنید که برای رسیدن به امیالتان و کسب منابع مالی به تصور این‌که این شخص با بزرگان کشور عکس گرفته و آشنائی‌هایی داشته به او متوسل شده‌اید." تازه پس از این سخنان مامور وزارت اطلاعات شاکیان متوجه شدند که چیزی هم به اسمال تیغ زن و وزارت اطلاعات بدهکار شده‌اند!!

سرانجام جلسه دادگاه با این اظهار امیدواری رئیس دادگاه خاتمه یافت که "اسماعیل افتخاری با قبول اتهامات (البته همان حمل و نقل آثار عتیقه به خارج از کشور) خود توبه کند." او لابد به خیر و خوشی آزاد شود. این است ماهیت دستگاه قضائی جمهوری اسلامی. در یک دادگاه یک جنایتکار، قاتل، شکنجه‌گر، دزد، لات و چاقوکش، رئیس گروه ضربت کمیته منطقه ۱۲، از اتهامات اصلی تبرئه می‌شود و بعداً احتمالاً با یک توبه آزاد میگردد و در دادگاه دیگری دو نوجوان ۱۷ و ۱۳ ساله به اعدام و ۱۵ سال حبس و شلاق محکوم می‌شوند.



یادداشتهای سیاسی

کسی جوابگو نیست

ارگانها و نهادهائی که قرار بود ماجرای قتل های زنجیره‌ای را پیگیری کنند و اطلاعات دقیقی در مورد کشتارهای وحشیانه دستگاه امنیتی و جاسوسی به مردم بدهند ، حالا یکی پس از دیگری از خود سلب مسئولیت می کنند و اطلاع رسانی پیرامون این پرونده را برعهده دیگری قرار میدهند. از هراگرانی که سؤال می شود، اظهاربی‌اطلاعی میکند. کاربه جایی رسیده که آقای باهنر از سران یکی از جناح های حکومت می گوید "پرونده ای که دست دولت و مجلس نیست، دست قوه قضائیه هم نیست و ما خبر نداریم، پس حتما" دست سازمان سیا است ." وزیر اطلاعات می گوید: "من از پرونده قتل ها هیچ اطلاعی ندارم." طرفداران محمد خاتمی می گویند که او در جریان پرونده قرار ندارد و مسئولیت آن برعهده سازمان قضائی است. سازمان قضائی نیروهای مسلح می گوید " کار اطلاعات رسانی تحقیقات پرونده قتل های زنجیره‌ای به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی واگذار شده است." شورای عالی امنیت ملی می گوید " هرگونه اطلاع رسانی در خصوص پرونده قتل های زنجیره ای کماکان بر عهده سازمان قضائی نیروهای مسلح است ."

بالاخره کدام ارگان مسئول اطلاع رسانی است و پرونده در کجاست؟ معلوم نیست. این ظاهر قضیه است. در پشت صحنه نزاع شدیدی میان دو جناح و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه در جریان است. از آنجائی که پای هردو جناح در این ماجرا گیراست، هریک می خواهد آن را به نفع خود و به زیان جناح دیگر تمام کند . در جریان این کشمکش است که پرونده بیخ پیدا کرده و نحوه انتشار اعترافات متهمین به یک مسئله جدی مورد اختلاف تبدیل شده است. سازمان قضائی نیروهای مسلح فیلمی از اعترافات متهمین برای بخش تهیه کرده است که

گویا به زیان جناح خاتمی است و علاوه بر این وزارت اطلاعات نیز با بخش آن مخالف است. وزارت اطلاعات مدعی است که پخش این فیلم به زیان " امنیت ملی" است و وزارت اطلاعات را بد نام می کند. در واقع وزارت اطلاعات ، خواهان حذف بخش هائی از این اعترافات تا آنجاست که قضیه به وزارت اطلاعات ربط پیدا نکند و در نهایت چیزی فراتر از همان " محفل" چند نفره " خودسر" در اعترافات مطرح نشود. دقیقا" معلوم نیست که در فیلم اعترافات چه مسائلی مطرح شده که گروهی از طرفداران محمد خاتمی می گویند ، این فیلم با نگرش جناحی تهیه شده و متهمین در سلول های انفرادی اعترافاتی داشته اند که تحت فشار از آنها گرفته شده است. اختلاف جناحها وارگان ها و نهاد های رژیم برسر پرونده قتل های زنجیره ای و فیلم تهیه شده به چنان مرحله‌ای رسید که برای حل اختلاف و سازش، سران سه قوه به همراه رئیس مجمع تشخیص مصلحت ، جلسهای در حضور خامنه ای تشکیل دادند . در اینجا تصمیم گرفته شد که " روسای قوای مجریه و قضائیه به اتفاق موضوع را پیگیری کنند و با نظرهردو آنها این تفاوت دیدگاه حل شود." در پی این نشست ، دبیر خانه شورای عالی امنیت ملی، کمیته‌ای تشکیل داد که اعضا آن عمدتا" از طرفداران خاتمی تشکیل شده بودند. اکثریت اعضا این کمیته پس از مشاهده فیلم اعترافات، نظر دادند که بخش هائی از این فیلم " علیه امنیت ملی" است و در برخی موارد مغایر منافع وزارت اطلاعات است. از این رو تصمیم گرفته شد که یک فیلم جدید تهیه شود و این بخش از اعترافات حذف شوند.

برغم این که هر دو جناح هیئت حاکمه با کشف حقیقت مخالف اند و در تلاش اند به نحوی خود

در صفحه ۱۴

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کسک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian-minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 333 jan 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی